

و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر
ان الارض يرثها عبادي الصالحون

حضرت مهدی (عج) در بشارت های آسمانی

حجت الاسلام والمسلمین محمد فقیه نیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت مهدی علیه السلام
در بشارت‌های آسمانی

تألیف:

حجة الاسلام و المسلمین محمد فقیه‌نیا



بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگ‌نوی نورالاصفیا

۱۳۷۹

فقیه نیا، محمد، ۱۳۴۲

حضرت مهدی علیه السلام در بشارت‌های آسمانی / مؤلف: محمد فقیه نیا / قم: بنیاد علمی
فرهنگی نورالاصفیاء، ۱۳۷۹، ۱۵۲ ص، ۶۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات قیام ISBN 964-5927-11-0

کتابنامه: ص ۱۴۷-۱۵۰؛ همچنین بصورت زیر نویس

۱- مهدویت در ادیان، ۲- محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق

پیشگوییها، الف: عنوان، ۶ ح ۷ ف ۲۲۲/۲ BP

۲۹۷/۴۶۲ کتابخانه ملی ایران ۷۹-۱۳۵۶۲ م



حضرت مهدی علیه السلام در بشارت‌های آسمانی

مؤلف: حجة الاسلام و المسلمین محمد فقیه نیا

ناشر: بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگ نورالاصفیاء

چاپ: اول پائیز ۱۳۷۹، شعبان ۱۴۲۱ هـ

قطع و صفحات: رقعی، ۱۵۲ صفحه، چاپ: سپهر، تیراژ ۳۰۰۰ جلد

«همه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است»

ارتباط با مؤلف: قم تلفن ۹۲۲۹۸۶

مراکز پخش: تهران صندوق پستی ۱۶۵۷-۱۴۱۵۵

قم: نخ صفائیه - پاساژ امام مهدی شماره ۱۲۹ تلفن ۷۳۲۳۶۶

شابک ۹۶۴-۵۹۲۷-۱۱-۰ ISBN 964-5927-11-0

قیمت: ۶۰۰ تومان

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحَجَّاجِ بْنِ الْحَسَنِ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى بَائِهِ فِي
هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا
وَدَلِيلًا وَعَبْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ
طَوْعًا وَمَنْعَةً فِيهَا طَوْيلًا

☆ سخن ناشر

آنها که در کاوش معارف الهی دستی داشته و دارند، همواره به نکته‌ای اساسی در آنجا برخوردده‌اند و آن هماهنگی میان تلاش برای اصلاح وضعیت موجود در جوامع و راهکارهای کوتاه مدت آن، و در همانحال نظر و چشم انداز به آینده داشتن و تلاش برای رساندن جوامع بشری به نقطه‌ی زیبای سعادت و رستگاری و آرامش استوار که البته از مسیر بسیار دشوار مهار خواسته‌ها و امیال نفس سرکش انسان می‌گذرد.

انتظار فرج نیز آن گونه که در معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) جلوه‌گر گشته است، فهم و درک بشر از وضعیت موجود، ریشه‌ها و پیامدهای آن را هدف گرفته و سوق دادن او به سوی جهانی فارغ

از ستمگری و بیداد و نابرابری و طغیان را در سایه تجلی بزرگ
مهر الهی حضرت ولی عصر علیه السلام نوید می‌دهد.

بشریت را در مرتبه نخست درگ درست می‌دهد و پس از این
تلاش اساسی و دشوار، راه روشنایی و مهربانی و سپیدی را به او
می‌نمایاند، راهی که از سوی خداوند بزرگ و مهربان فرا راه بشر
نهاده شده و همگان بدان خوانده شده‌اند، و آن هم نه تنها در
فرهنگ گرانقدر اسلام و تشیع، که از آغاز آفرینش بشر و در همه
ادیان و آموزه‌های الهی و آسمانی، از جناب آدم ابوالبشر گرفته تا
نوح و ابراهیم و دیگر پیامبران علیهم السلام و تا خاتم و افضل همه
فرستادگان خدایی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و نیز
فرمایشات اوصیای بزرگ و اولیای الهی.

و روشن است که کنکاش و بررسی این بخش از معارف الهی از
متابع بزرگ آن، همواره تلاش وافر دانشمندان و خرد ورزان را
بخود مشغول داشته است، که در این میان یکی از جدیدترین
پژوهش‌هایی که به صورتی گسترده و عام کتابهای آسمانی را
مورد بررسی قرار داده است، این کتاب گرانقدر نوشته فاضل
ارجمند جناب حجة الاسلام و المسلمین محمد فقیه‌تایزید عزه
می‌باشد که زحمت و رنج بسیاری در تدوین و گردآوری و نیز
مقایسه و بررسی آن با روایات و آیات کریمه وارد شده در متون

اسلامی کشیده و بحمد الله بصورتی زیبا و با قلمی شیوا تألیف گردیده است و می‌تواند بخوبی مورد استفاده پژوهشگران و دیگران دوستداران معارف الهی قرار گیرد.

این بنیاد توفیق چاپ و نشر این اثر ارزشمند را که گامی در جهت نشر معارف آسمانی و دینی می‌باشد، افتخاری برای خود برشمرده و قبولی این تلاش ناچیز در پیشگاه جمال دلارای الهی و مظهر وعده‌های آسمانی حضرت صاحب العصر و الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دوام توفیقات در این راه مقدس را آرزو دارد.

بنیاد پژوهشهای علمی فرهنگی نورالاصفیاء

علی لسان الدین رستگار جویباری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

☆ پیشگفتار

الحمد لله ربّ العالمين و صلى الله على محمد و آله اجمعين
با نام او شروع می‌کنم، که هدایت‌کننده قلوب مؤمنان می‌باشد، و
بخشنده ذنوب مجرمان، عزیز می‌باشد، و در عین عزّت کریم.
حمد او را سزا است، که بی‌نیاز است، و دست رحمت او گشاده و
بدون منت می‌دهد.

او را ستایش می‌کنم که ستایش مخصوص ذات باری او می‌باشد و
از او یاری می‌طلبم و بر او تکیه می‌کنم، که اوست یار بیچارگان و
بی‌کسان، و اوست تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاه ندارد.

سپس بهترین درود و سلام خداوند و انبیاء الهی و ملائکة
المقربین و مؤمنان و صالحات روی زمین، بر أشرف مخلوقات و
سید کائنات، فخر الخلائق و خاتم النبیین محمد مصطفی ﴿ﷺ﴾
و اهل بیت معصومش (علیهم افضل صلوات المصلین) که کویبهای
درخشان ولایتند؛ بادا.

آنچه را در این مقدمه لازم است متذکر شوم، عبارتند از:

۱- مروری بر زندگی تحصیلی و تربیتی مؤلف.

۲- علت تألیف کتاب.

۳- مقدمه‌ای بر کتاب.

۱- بنده عبد حقیر ربّ کعبه و انشاء الله از مخلصان درگاه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) می‌باشم.

حدود سال ۱۳۵۵ هجری شمسی مشغول به تحصیل علوم دینیّه شدم و شروع تحصیل این جانب از رستمکلا خدمت آیه الله ایازی (دام ظلّه) بوده است، بعد از مدتی به مشهد مقدس رفتم و در مدرسه آقای موسوی نژاد ادامه تحصیل دادم که مصادف با شروع انقلاب و مسائل مربوط به آن که در این مختصر جای بیان آن نمی‌باشد.

بهر حال ادامه سطح را خدمت پدر بزرگوارم حضرت آیت الله شکر الله فقیه نیا مشغول شدم و از ایشان بهره کافی علمی و عملی بردم، ایشان که خود از فضیله حوزة علمیه نجف بوده‌اند، در عین حالی که خدمت حضرت آیه الله العظمی خوئی (علیه السلام) تلمذ می‌نمودند؛ در آنجا نیز به تدریس سطح و خارج فقه اشتغال داشتند، و در علمیت ایشان همین مقدار کافی است که استاد بزرگوارم حضرت آیت الله العظمی سید محمد الروحانی (علیه السلام)

درباره ایشان فرمودند در نجف سه تا طلبه موجود می باشند، که ایشان را یکی از آنها نام می بردند، مخفی نباشد که طلبه از نظر ایشان به معنای عالم بود نه طلبه معمولی.

مضاف بر این وقتی وارد حوزه علمیه قم شدم به محضر حضرت آیت الله العظمی آملی رحمته الله علیه رسیدم، ایشان از والد گرامی بنده به عنوان آیت الله نام بردند، که اگر بخواهیم مقام علمی و تقوایی ایشان را از زبان علماء و مراجع بیان نمائیم خود کتابی مفصل خواهد بود و این مختصر را گنجایش بیش از این نمی باشد.

علاوه بر این ایشان کتب زیادی در تفسیر و فقه و... نوشته اند که در گنجینه دانشمندان که در احوالات علماء نوشته شده است، در احوال علماء آمل نام برخی از کتب ایشان را ذکر نموده است، و این کتب خود نشان دهنده علمیت مؤلف آن می باشد.

بنده مدتی را خدمت ایشان تلمذ نموده و بعد از آن وارد حوزه علمیه قم شدم، تقریباً یک دوره خارج اصول و خارج فقه (کتابهای بیع و خیارات و صلاة و حج را) خدمت استاد بزرگوارم حضرت آیت الله العظمی سید محمد الروحانی رحمته الله علیه تلمذ نمودم. بعد از فوت ایشان وارد به درس استاد بزرگوار حضرت آیه الله العظمی سید محمد صادق الروحانی (دام ظلّه) شدم و الان حدود سه سال است که مشغول تدریس خارج فقه و اصول می باشم.

۲- علت تألیف این کتاب در مرحله اول انشاء الله رضای خداوند و خشنودی خداوند و رسول گرامیش ﷺ و اهل بیت معصوم علیهم السلام می باشد.

و در مرحله دوم: با نظر به جو کنونی و وسوسه های شیاطین انسی و جتی، در مورد وجود حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) و اینکه در کجا می باشند و... تألیف این کتاب را ضروری احساس نموده ام، تا پند گیرد آنکه پندپذیر باشد، و اتمام حجتی باشد بر متعصبین و مخالفین دین.

همانطوری که مستحضر می باشید شیاطین انسی و جتی (در وقتی انسان امتحان می شود از طرف پروردگار) تهاجمات خود را شروع می کنند. تا قلوب مؤمنان را از راه حق برگردانند، و در ایمانشان خدشه وارد سازند، تا در این مسیر ثابت قدم نباشند. نمونه های بارز این مسئله در ما سلف ائی است که قرآن بدان اشارات زیادی دارد، از آن جمله: وسوسه شیطان در غزوه بدر بوده است، هنگامی که مسلمین به میدان مبارزه با کفار رسیدند، همه تشنه بودند و علاوه بر این برای تطهیر خود نیاز به آب داشتند، ولی قبلاً چاههای بدر توسط کفار اشغال شده بود.

شیطان شروع به وسوسه نمود، به اینکه اگر دین اسلام حق

بود، چرا آنها از جهت نفرات و آب و... بر شما برتری دارند؟
در این هنگام رسول خدا ﷺ و یا مؤمنان دعا نمودند، و باران
رحمت الهی شروع به باریدن نمود، و این آیه نازل شد:

﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبِّكُمْ أَنْيُّ مُجِدُّكُمْ بِالْفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
مُرْدِفِينَ (۹) وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ الْإِبْشِرَىٰ وَ لِيَتَطْمَئِنَّ بِهِ
قُلُوبِكُمْ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
(۱۰) إِذْ يُغَشِّبُكُمُ النَّعَاسَ أَمْتَةً مِنْهُ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْسَ
الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ﴾ (۱)

ترجمه: «هنگامی که پروردگارتان را به ناله و زاری
می خواندید، پس دعای شما را اجابت فرمود، و سپاهی
منظم از ملائکه به امداد شما فرستاد، و این فرشتگان را
خداوند نفرستاد، مگر آنکه بشارت دهنده فتح باشند، تا
دلهای شما را مطمئن سازند و بدانید نصر و پیروزی
نیست مگر از جانب خدا، که اوست عزیز و حکیم.

به یاد بیاورید هنگامی که شما را خواب فرا گرفت،
چون از جانب او ایمن بودید و برای شما از آسمان آب

فرستاد تا شما را بواسطه آن آب پاک کند و وسوسه و
 کُید شیطان را از شما دور سازد، تا دل‌های شما به واسطه
 رابطه ایمان متحد گردد، تا در کار دین ثابت قدم و
 استوار باشید».

به حول و قوه الهی این کتاب را تألیف نمودیم تا همانطوری که
 خداوند به واسطه باران رحمت دفع کید و وسوسه‌های شیطان
 نموده و قلوب مؤمنان را متحد فرمود و ثابت قدم در راه حق
 نمود، امیدواریم که با چاپ این کتاب بتوانیم با یاری الهی قلوب
 مؤمنان را متحد، و آنان را در راه حق ثابت، و کید شیاطین را
 خنثی سازیم و در این راه از روح پاک پیامبر ﷺ و اهل بیت
 معصومش ﷺ خصوصاً از مولایم امام زمان (عجل الله تعالی
 فرجه الشریف) یاری می‌طلبیم.

۳- آنچه را درباره کتاب، پیش از شروع آن، به عنوان مقدمه،
 در مورد آن لازم به بیان است عبارت است از:
 اندیشه پیروزی حق بر باطل، چیره شدن عدالت بر ظلم و
 تاریکی، و گسترش جهانی یک حکومت واحد، تحت دین واحد، و
 حاکمی عادل از طرف پروردگار جهان، با در بر گرفتن ارزش‌های
 انسانی، و تشکیل مدینه فاضله به واسطه یک منجی بزرگ،

اندیشه‌ای است که تمام ادیان الهی خصوصاً اسلام بدان معتقد بوده‌اند و هستند و نه تنها این اندیشه در ادیان می‌باشد به عنوان اصلی جدا ناشدنی می‌باشد، بلکه امری است در فطرت انسان‌ها نهفته می‌باشد، ندائی درونی از سراسر وجود انسان، فریاد می‌زند: روزی خواهد آمد که حق بر باطل پیروز می‌شود، و دیگر اثری از ظلم و بی‌عدالتی نخواهد ماند.

یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم مخور.

و قرآن کریم با قاطعیت تمام می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ

يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾. (۱)

ترجمه: «ما در زبور (داود علیه السلام) نوشتیم: البته

بندگان نیکوکار ما وارثان زمین خواهند شد».

و یا در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ

نَجْعَلَهُمْ آيَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵) وَنَكُنَّ لَهُمْ فِي

الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا

كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾. (۲)

۲- سوره قصص: آیه ۵.

۱- سوره انبیاء: آیه ۱۰۵.

ترجمه: و ما اراده نمودیم که آنانی که بر ضعیف
شمرده شده‌اند در زمین، منت بگذاریم و آنان را
پیشوایان خلق قرار بدهیم و وارثان روی زمین باشند و
در زمین به آنان قدرت و تمکن ببخشیم. و به فرعون و
هامان و لشکریانشان نشان دهیم آنچه از آن ترسان
بودند.

و در جای دیگر می‌فرماید:

«قَالَ مُوسَى اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ
يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۱)
«موسی علیه السلام به قوم خود فرمود: از خداوند یاری
بخواهید و صبر کنید، که همانا زمین ملک خداست، و به
هر کس بخواهد از بندگانش واگذار می‌نماید، و عاقبت
منخصوص اهل تقوی می‌باشد».

آری در جاهای مختلف قرآن این وعده‌ها را داده است، نه تنها
قرآن که تمامی ادیان آسمانی همه آن روز را بشارت داده‌اند، و
گفته‌اند که آخر مصلح بزرگ جهانی خواهد آمد.
اصطلاح غربی اعتقاد به دوره آخر الزمان و انتظار منجی غیبی
و مصلح بزرگ جهانی را - فورتویسم - می‌باشد.

و این مسئله یکی از مسائلی است که در تمامی ادیان و مذاهب اعم از مذهب زردشتی یا (زوراستریانیسم) و مذهب یهودی یا (جوادائیسیم) و سه مذهب عمده مسیحیت (کاتولیک، پروتستان، ارتدکس) بلکه وجود دارد؛ تمام مدعیان نبوت این مسئله را به عنوان اصلی در اعتقاداتشان قلمداد می‌کنند.

و البته در کتاب‌های آسمانی مثل (زبور، زنده، حکمی، صفینیا، اشغیاء، شاکمونی هند، انجیل متی، دید و پاتکیل (هند)، جاماسب نامه، انجیل یوحنا، دانیال و...) بر آن بشارت داده‌اند.

فلذا این بحث یکی از بحث‌های عقیدتی در تمام مذاهب می‌باشد و بحث‌ها و کنفرانس‌های متعددی در این رابطه تشکیل شده است. از جمله این کنفرانس‌ها کنفرانسی است که به مناسبت ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کشور سودان در فوریه سال (۱۸۸۵) تشکیل شده است، و در کتاب مبادی مهدویت (ترجمه مهدی جهانسوز) در آن کتاب به نقل از دامستر از کتاب (مهدی در ۱۳ قرن) ^(۱) چنین می‌نویسد:

[می‌دانید که محمد صلی الله علیه و آله چگونه شریعت خود را

بنیان نهاد؟ وقتی او ظهور کرد، در عربستان علاوه بر

شرک ملی یاستانی، سه دیانت بیگانه موجود بود: آئین

۱- مهدی در ۱۳ قرن، تألیف دامستر، ص ۵-۶.

یهود، دیانت عیسوی، کیش زرتشت نکته مشترکی که در این سه دیانت یافت می‌شود، عبارت از اعتقاد به وجود قدرتی ماوراء الطبیعه بود، که بایستی در آخر الزمان ظهور کند، و نظم و عدالت رفته را به جهان باز آرد، و مقدمه خلود و سعادت دائم انسان را فراهم سازد.

شما همگی در کتاب زندگی (یسوع) بحثی را که مربوط به این موضوع است، خوانده‌اید. مطابق تعالیم این سه دیانت، پیش از ظهور منجی باید نیروی بد، بر جهان حکم فرما شود.

این مطالب دالّ است بر آنچه ما در صدد بیان آن هستیم، و آن را به نحو روشنی بیان می‌کند، اگرچه آنچه او می‌خواهد بگوید، و آنچه از ظاهر کلمات این شخص بر می‌آید، از جهاتی غیر واقعی می‌باشد، و لیکن اقراری از او به آمدن منجی موعود و برقراری عدالت، می‌باشد.

و انشاء الله در این کتاب بیان می‌شود، آنچه را در کتب آسمانی از این بشارت‌ها بدان دست یافتیم، و روایاتی که از شیعه و سنی در این موضوع می‌باشد مکتوب خواهد شد. گرچه مقصد ما بیان تمام روایات وارده در این رابطه نمی‌باشد، بلکه اشاره‌ای است، به برخی از آن روایات و انشاء کتب دیگری در زمینه‌های دیگر، که به

چاپ خواهد رسید، موضوع آنها در رابطه با خاتم الحجج سیدنا و مولانا امام زمان (روحی و ارواح العالمین له الفداء) خواهد بود و تحت این عناوین می‌باشند:

۱- علائم ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

۲- نقل گزیده‌ای از برخی از قضایا از افرادی که به خدمت

حضرتش مشرف شده‌اند.

۳- مدعیان مهدویت.

۴- مهدی از دیدگاه اهل تسنن.

۵- آنچه در حکومت ایشان از بدو تا ختم اتفاق می‌افتد.

به حول و قوه الهی به زودی طبع و منتشر خواهد شد.

و السلام علی من اتبع الهدی

محمد فقیه‌نیا



□ بشارت اول: (شاکمونی هند)

بشارتی که در اینجا نوشته می‌شود، تمامی آن مستند می‌باشد.

بشارت اول از (شاکمونی) نقل شده است، شاکمونی یکی از کسانی است که در بین هندوها به عنوان پیامبر و صاحب کتاب شهرت دارد، و به او اعتقاد زیادی دارند.

و این مطالبی که از او در کتابش نقل می‌شود، دال بر این می‌باشد او یقیناً از اولیاء الهی بوده است، چون بشارتهائی که او در کتابش آورده است، بسیار به ادیان الهی خصوصاً اسلام نزدیک می‌باشد، از بشارتهائی که او در کتابش آورده است، آمدن مصلح بزرگ جهانی در آخرالزمان می‌باشد. برخی از کلمات او عبارت است از:

[بشارت شناکمونی... و پادشاهی دنیا به فرزند
سید خلیق جهان کشن (نام گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله) به
زبان هندی کشن (محمد صلی الله علیه و آله) می‌باشد) بزرگوار تمام
می‌شود. و او کسی باشد، که بر کوه‌های مشرق و مغرب
دنیا حکم بر ابرها، و فرمان کند، و برابرها سوار شود، و
فرشتگان کارکنان او باشند.

جن و انس در خدمت او شوند، و از سودان که زیر
استواء است تا عرض تسعین که زیر قطب شمالی
می‌باشد، و ماوراء بحار را صاحب شود.

و دین خداوند یک دین شود، و دین خدا زنده گردد، و
نام او ایستاده باشد و خداشناس باشد.]^(۱)

نکات قابل بررسی عبارتند از:

۱- اطلاق نام گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان اشرف مخلوقات،
دال بر حقانیت دین مبین اسلام می‌باشد، مخفی نباشد، نام
گرامی حضرتش در تمام ادیان به زبانهای مختلف آمده است که
توضیح آن نیاز به کتاب جداگانه‌ای دارد، و از محل بحث ما در این
کتاب خارج است.

۲- پادشاهی دنیا به فرزند این پیامبر ختم می‌گردد. این کلام

۱- به نقل از بشارت عهدین: ص ۲۲۳ الی ۲۸۶، به تفصیل نقل شده است.

در بین امت اسلامی نیز می‌باشد، که اشاره‌ای اجمالی به برخی از روایات می‌شود.

۳- جهان را متصرف می‌شود.

۴- دین خدا یک دین می‌شود و دین خداوند زنده می‌گردد.

۵- نام او ایستاده (قائم) باشد، خداشناس می‌باشد.

این نکات در روایات شیعه و سنی به وضوح موجود می‌باشد که برخی از مواقع انسان متحیرانه به آن می‌نگرد، ولی جای تعجب نیست. مگر نه این است که سایر ادیان نیز از طرف پروردگار آمده‌اند. ولی متأسفانه دست محرفین و جاعلین در برخی از متون یا اکثر آنها نفوذ نموده، و آن دین را دچار تناقض‌گوئی نموده‌اند، و الا هیچ دینی و هیچ کتابی از طرف پروردگار نیامده است، مگر آن که مطالب آن وحی منزل می‌باشد، و هیچ گونه تناقض در آن راه ندارد. نمونه آن این گونه مطالبی است که دست محرفین بدان نرسیده، و یا نتوانسته‌اند به طور کامل در آن دست ببرند.

مخفی نباشد، که هر دین را مسائلی است مخصوص افراد آن دوره و اجتماع که بعد از انقراض مدت آن دوره، آن دین نسخ می‌شود و دین جدیدی که می‌آید کاملتر می‌باشد، فلذا دین اسلام که آخرین دین است، کامل‌ترین آنها تا روز قیامت، فلذا به پیامبر اسلام ﷺ خاتم پیامبران است اطلاق می‌شود و مسائلی هم می‌باشد که جزء اصول ادیان در تمام ادوار بوده است فلذا در این مسائل همه ادیان متفقاً باید اتحاد در گفتار داشته باشند مثل

توحید - نبوت و... از آن مسائل اخبار غیبی از آینده می‌باشد، که از معجزات آن پیامبر محسوب می‌شود. همان طوری که ملاحظه خواهید نمود، در روایات امت اسلامی اعم از تمامی مذاهب آن، این مطالب و نکات به وضوح دیده می‌شود.

روایاتی از اهل تسنن

روایت اول:

«أَخْرَجَ سُلَيْمَانُ الْقَنْدُوزِيُّ الْحَنْفِيَّ فِي يَتَابِيعِ الْمَوَدَّةِ عَنْهُ

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي

لِاثْنَيْ عَشَرَ أَوْ لَمْ عَلَى وَآخِرَهُمْ وَوَلَدِي الْمَهْدِي فَيُنزَلُ

رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، فَيُصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِي (۱) وَ

تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَتَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ

الْمَغْرِبَ» (۲)

ترجمه: «سلیمان قندوزی که دارای مذهب حنفی

بوده است در کتاب ینابیع المودة از ابن عباس نقل نموده

که پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل فرمود:

جانشینان و اوصیاء من، و حجتهای خداوند بعد از

۱- در مصدر عبارت به این نحوه مکتوب بوده است شاید قبل از این کلام (فینزل...) کلماتی بوده که نسخ اشتباه نموده باشند.

۲- ینابیع المودة از قندوزی حنفی: ص ۴۴۷، طبعه استانبول ۱۳۰۳ هجری.

من، دوازده نفرند. اولشان علی علیه السلام و آخرشان پسر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشند. پس حضرت عیسی علیه السلام فرزند مریم علیها السلام نازل می شود، و در خلف ایشان نماز می گذارد.

(یعنی به او اقتداء می کند) و ایشان زمین را به نور پروردگارش روشن می نماید، و پادشاهیش مشرق و مغرب زمین را فرا می گیرد.

روایت دوم:

عن حدیقه - قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:
 الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكُوكَبِ
 الدُّرِيِّ» (۱)

ترجمه: «حدیقه بن یمان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمودند: مهدی مردی از نسل من است. صورتش مانند ستاره ای پر نور است.»

روایت سوم:

«عَنْ حَدِيقَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الْمَهْدِيُّ

رَجُلٌ مِّنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكُوكَبِ الدُّرِيِّ، اللُّسُونُ لَوْنٌ
عَرَبِيٌّ، وَ الْجِسْمُ إِسْرَائِيلِيُّ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ
جَوْرًا، يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ، وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوِّ،
يَمْلِكُ عِشْرِينَ سَنَةً» (۱)

ترجمه: «حذیفه از پیامبر ص نقل می‌کند، که
ایشان فرمودند: مهدی (عج الله) مردی از فرزندان و نسل
من است، صورتش چون ستاره‌ای تابان می‌باشد، و رنگ
او رنگ عربی است (کنایه از سبزه و نمکین بودن
می‌باشد) هیکل اسرائیلی دارد، (از تنومند بودن ایشان
حکایت می‌کند) زمین را پر از عدل می‌کند بعد از این که
از ظلم پر شده باشد».

در خلافت او اهل آسمان راضی و خشنود می‌باشند، هم
چنین پرندگان در هوا (آدمیان به طریق اولی) بیست سال
پشاهی نماید.

در این روایات به اینکه حضرتش از فرزندان پیامبر ص
می‌باشد صریحاً اشاره شده است و آنچه را در اینجا بیان نمودیم،
نمونه‌ای از احادیث کثیره در این باب می‌باشد و برای تیمن چند
روایت از شیعه نقل می‌نماییم:

روایت اول:

«عَنْ إِكْمَالِ الدِّينِ بِسَنَدِهِ عَنِ السَّيِّدِ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ. قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ عليه السلام وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَ عَنِ الْقَائِمِ عليه السلام أَ هُوَ الْمَهْدِيُّ أَمْ غَيْرُهُ؟

فَأَبْتَدَأَنِي عليه السلام فَقَالَ: يَا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ، وَ يُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ، وَ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي، وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ، وَ حَصَّنَا بِالإِمَامَةِ، أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُصْلِحُ لَهُ أَمْرُهُ فِي لَيْلَةٍ، كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى عليه السلام إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَ هُوَ رَسُولُ نَبِيِّ، ثُمَّ قَالَ عليه السلام: أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (۱)

ترجمه: «از کتاب اکمال الدین نقل شده است به اسنادی که ذکر نموده اند از سید عبدالعظیم حسنی عليه السلام که فرمودند:

داخل شدم بر مولا یم محمد بن علی الجواد عليه السلام و

۱- اکمال الدین للشیخ الصدوق عليه السلام: ج ۲، ص ۳۷۷-۳۷۸، بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۱۵۷.

می خواستم از ایشان سؤال کنم، از قائم علیه السلام آیا همان مهدی (عجل الله) می باشد یا غیر ایشان می باشد.

قبل از اینکه از ایشان بپرسم، ابتداءً فرمودند: ای ابوالقاسم (کنیه حضرت (عبدالعظیم) بوده است)، مهدی از ما می باشد، همانی که واجب است منتظرش باشیم در زمان غیبت ایشان، و در هنگام ظهورشان اطاعتش بنمائیم، و او سومین از نسل من است قسم به خدائی که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت مبعوث نمود، و ما را به امامت مخصوص فرمود. همانا، اگر از عمر دنیا پیش از یک روز باقی نماند، خداوند متعال آن روز را طولانی می گرداند، تا در آن روز ظاهر شود. پس زمین را پر از عدل و داد می کند، بعد از اینکه از ظلم و جور پُر شده باشد. همان طوری که امر کلیمش موسی علیه السلام را اصلاح فرمود، ایشان رفته بودند، تا آتش برای عیالش تهیه نماید، برگشت در حالی که پیامبر و نبی بود.

سپس فرمودند: بهترین اعمال شیعه من انتظار فرج می باشد».

روایت دوم:

«عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ: قَالَ سَأَلْتُ الْبَاقِرَ علیه السلام: يَا بَيْنَ

رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَلَسْتُمْ كُلُّكُمْ قَائِمِينَ بِالْحَقِّ:

قَالَ ﷺ: بَلَى.

قُلْتُ: فَلِمَ سَمِيَ الْقَائِمُ قَائِمًا؟

قَالَ ﷺ: لَمَّا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ ﷺ ضَجَّتِ

الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْبُكَاءِ وَ النَّجِيبِ (إِلَى أَنْ قَالَ)

ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنِ الْأَئِمَّةِ ﷺ مِنْ وُلْدِ

الْحُسَيْنِ ﷺ لِلْمَلَائِكَةِ، فَسَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ بِذَلِكَ، فَأَذًا

أَحَدَهُمْ قَائِمًا يُصَلِّي فَقَالَ (عَزَّوَجَلَّ):

بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ أَيِّ مَنْ قَتَلَهُ

الْحُسَيْنِ ﷺ. (۱)

ترجمه: «آسی حمزه ثمالی می گوید، از امام

باقر ﷺ سؤال نمودم، ای فرزند رسول خدا ﷺ

آیا شما همه قائم بر حق نمی باشید؟

فرمودند: بلی.

سؤال کردم: پس چرا حضرت قائم ﷺ قائم

نامیده شد.

فرمودند: وقتی جدم امام حسین ﷺ به شهادت

رسید، ملائکه به سوی خداوند ناله و زاری نمودند، تا

آنجا که می‌فرماید پس خداوند ائمه معصومین علیهم السلام را از نسل امام حسین علیه السلام به ایشان نشان دادند. ملائکه شادمان شدند، در این وقت یکی از امامان علیهم السلام ایستاده بودند و نماز می‌خواندند، پس خداوند فرمود: به واسطه این قائم از قاتلین امام حسین علیه السلام انتقام می‌کشم.

روایت سوم:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام، دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً، وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ دُثِرَ وَ ضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ. وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرٍ مَضْلُوبٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمُ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ» (۱)

ترجمه: «از امام صادق علیه السلام که فرمودند: وقتی قائم علیه السلام قیام می‌فرمایند، مردم را مجدداً به سوی اسلام می‌خوانند، و آنها را به سوی امری هدایت می‌کند که کهنه شده است و اکثراً گمراه شده‌اند. و همانا قائم علیه السلام مهدی نامیده شد، چون مردم را

۱- بحارالانوار: ج ۵۱، ص ۳۰، حدیث ۷، ایضاً ارشاد شیخ مفید رحمته الله علیه.

به سوی امری که از آنان گم شده و کهنه شده است،
 هدایت می فرماید و قائم نامیده شده است، چون قیام به
 حق می کند».

مخفی نباشد، که در وجه تسمیه آن حضرت به قائم از امامین
 هم‌امین امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده است، به دو
 صورت، با هم منافات ندارد چون آنها مانعة الجمع نمی باشند، و در
 روایت دوم اشاره به جهت قیام بالسیف دارد، که خروج و قیام
 ایشان به امر حق، و برای حق می باشد (ممکن است، سؤال شود،
 امام حسین علیه السلام هم قیام فرمودند: چرا قائم نامیده نشده‌اند؟

جواب: اینکه آنچه را امام حسین علیه السلام بدان مأمور بوده‌اند
 (أخرج الی العراق) بوده است و مبارزه ایشان در مقابل دشمنان
 دفاع از اسلام و حیثیت آن و متظلم واقع نشدن بوده است، فلذا
 حضرت ابی عبدالله علیه السلام شروع به جنگ فرمودند و حمله از
 دشمن شروع شد.

و ثانیاً: اینکه حضرتش در مقابل حرّ فرمودند: ما به واسطه
 دعوت مردم کوفه آمدیم، و اگر نمی خواهید بر می گردیم.

به خلاف حضرت بقیة الله علیه السلام: که از اول به امر الهی مأمور
 به قیام می باشند) و روایت اول: اشاره به نکته عام، که آنان حجج
 الهی می باشند، دارد.

و وجه تسمیه قائم بودن ایشان عندالکشف بوده است.
و کیف‌گان ممکن است و هر دو وجه تسمیه قائم برای حضرت
باشد و آن:

۱- لقیامه بالحق.

۲- کان قائماً یصلی عند الکشف.

و اما اینکه فرشتگان و ملائکه در خدمت حضرت می‌باشند،
روایات زیادی دال بر این نکته موجود است، که در بشارت بعد به
برخی از آنها اشاره می‌نمائیم.



□ بشارت دوم: (دیه)

در کتاب دیه (این کتاب در نزد هندوها از کتب آسمانی است) چنین آمده است:

[پس از خرابی دنیا، در آخر الزمان، پادشاهی پیدا شود که پیشوای خلائق باشد، نام او منصور باشد، و تمام عالم را بگیرد و به دین خود در آورد، و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا بخواهد برآید.]^(۱)

این مطالب اشاره به نکاتی دارد، که نقطه مشترک بین دین اسلام و این مذهب می باشد، و آن نکات عبارتند از:

- ۱- خرابی دنیا قبل از ظهور حضرت در آخر الزمان.
- ۲- آمدن پادشاهی که بر تمام خلائق امامت می کند و جهان را تصرف می نماید، دین، دین واحد می شود.

۱- کتاب بشارات عهدین به همان عنوانی که در کتاب شاکموتی بیان نمودیم.

۳- تمام مردم را می‌شناسد یعنی به واقع آنها آگاهی دارد، می‌داند مؤمن کدام است و کافر کدام است، و به ظاهر افراد نمی‌نگرد.

۴- مستجاب الدعوه می‌باشد.

این مطالب در اسلام توسط اهل بیت معصومین علیهم السلام بیان شده است، و شیعه و سنی نقل نموده‌اند که بدانها اشاره‌ای اجمالی می‌نمائیم:

روایت اول

«رَوَى عَنِ الْإِمَامِ علیه السلام قَالَ: لَا يُخْرِجُ الْمَهْدِيَّ حَتَّى يُقْتَلَ ثَلَاثًا وَ يَمُوتُ ثَلَاثًا وَ يَبْقَى ثَلَاثًا» (۱)

ترجمه: «از حضرتش روایت شده است که فرمودند:

مهدی خروج نمی‌فرمایند، مگر آنکه ثلاثی از مردم کشته می‌شوند و ثلاث دیگر بمیرند و یک سوم آنها بماند (فرق بین قتل و مرگ این است که یک سوم به واسطه جنگ و... کشته می‌شوند، ولی اما اگر به مرض و غیره مثل سگته و سرطان و غیره از بین بروند، می‌گویم فلانی مرده است نه اینکه کشته شده است).

۱- عقداالدرر: حدیث نعیم بن حماد، شیخ بخاری در کتاب الفن و مقری در سنن: نقل نموده‌اند.

روایت دوم:

«وَرَوَى عَنْهُ عليه السلام أَيْضاً أَنَّهُ عليه السلام قَالَ: بَيْنَ يَدَيِ
 الْمُهْدِيِّ، مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَبْيَضٌ وَ جَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ
 جَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ.
 فَأَمَّا الْمَوْتِ الْأَحْمَرِ فَالسَّيْفُ، وَأَمَّا الْمَوْتِ الْأَبْيَضِ
 فَالطَّاعُونَ» (۱)

ترجمه: «باز مولا یمان امیر المؤمنین عليه السلام که

می فرمایند:

هنگام خروج مهدی عليه السلام دو مرگ است: ۱- مرگ

سرخ. ۲- مرگ سفید.

مرگ سرخ یعنی کشته شدن با شمشیر (کنایه از جنگ

و کشتار با سلاح است) و مرگ سفید طاعون (امراض

غیر قابل علاج).

و ملخ در زمانش و ملخ در غیر زمانش (یعنی در فصل ملخ

ملخ می آید و در غیر فصل آن و این کنایه از عذاب و افساد زراعات

می باشند چنانچه چند سال پیش در روستای ایزه ملخ های

قراوانی حمله نمودند به طوری که زندگی را، در آن روستا و

حوالی آن و مراد حضرت از جراد فی حینه و جراد فی غیر حینه

۱- عقد الدرر: ص ۶۵، کتاب غیبة شیخ طوسی عليه السلام ص ۲۶۷ و غیبة نعمانی: ص

۲۷۸ و ایضاً بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۱۱، ج ۵۹.

این نیست که در همه ممکنه ملخ ظاهر شود در بعضی از ممکنه بر صدق کلام آن جناب علیه السلام کفایت می‌کند.

روایت سوم:

«و رُوِيَ عَنْهُ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثِهِ عَنْ عَلَائِمِ الظُّهُورِ: فَيُقْتَلُ يَوْمَئِذٍ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ - ثَلَاثَةَ أَلْفِ أَلْفٍ يُقْتَلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، فَيَوْمَئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ (فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاَهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ) (۱) بِالسَّيْفِ» (۲)

ترجمه: «از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است در حدیثی که علائم ظهور را می‌فرمودند: پس قتال می‌کنند آنچه در بین مشرق و مغرب است و سه میلیون نفر با شمشیر می‌جنگند.

این روز تأویل این آیه می‌باشد، پیوسته بر ادعایشان باقی مانند (همان ادعای باطل) تا آنها را طعمه شمشیر مرگ و هلاکت ساختیم».

روایاتی که دلالت بر این گونه مطالب می‌کند بسیار فراوان است و همان طوری که می‌دانید، نتیجه همه جنگ‌هایی خرابی

۲- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۷۵.

۱- سوره انبیاء: آیه ۱۵.

دنیا، و از بین رفتن آبادی‌ها و تلف شدن نفوس و زراعات و از بین رفتن تمدن‌ها می‌باشد.

و نکته دوم: چون در بشارت اول بدان اشاره اجمالی نمودیم، به همان بسنده می‌کنیم.

و اما نکته سوم: فرات بن ابراهیم در تفسیر خود از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل نموده است، که آن حضرت (علیه السلام) در ذیل تفسیر آیه کریمه فرمودند:

«وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (۱)

ترجمه آیه: «کسی که مظلوم کشته شده است برای ولی او (صاحب خون) تسلط قرار دادیم، پس در کشتار اسراف نکند، چون منصور و یاری شده است».

حضرتش (علیه السلام) می‌فرمایند: مرا از «مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً» امام حسین بن علی (علیه السلام) می‌باشد، و بقیه آیه مراد امام زمان (علیه السلام) است، که نام مبارکشان در این آیه منصور می‌باشد.

نکته چهارم:

«قال الصادق (علیه السلام): إِذَا قَامَ قَائِمٌ إِلِى مُحَمَّدٍ (عجل الله) حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ (علیه السلام)، لَا يَحْتَاجُ إِلَى

بَيِّنَةٍ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ (تعالی) فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ، وَ يَخْبُرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا
اسْتَبْطَوْهُ» (۱)

ترجمه: «وقتی امام زمان علیه السلام (قائم آل
محمد صلی الله علیه و آله) قیام نمودند: بین مردم به حکم حضرت
داود علیه السلام حکم می‌فرمایند (به علمشان)، و نیازی به
اقامه شهود ندارد، خداوند به ایشان الهام می‌کند، پس
ایشان به علم خودشان عمل می‌فرمایند، و آنچه را هر
قومی مخفی نموده‌اند، حضرت علیه السلام به آنها خیر
می‌دهد. (یعنی ایشان از ما فی الضمیر افراد آگاه است و
همه چیز را می‌داند،) پس به طریق اولی افراد را از مؤمن
و کافر می‌شناسد).

این شاء الله در بشارت بعد به روایت دیگری در این رابطه اشاره
می‌شود.

نکته پنجم: در «بحارالانوار» روایتی را از امام باقر علیه السلام نقل
فرموده است تا آنجا که می‌فرماید:

«ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام هُوَ وَ اللَّهُ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ
اللَّهِ فِي قَوْلِهِ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوْءَ
وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» (۲)

۱- مراد از استنباط (یعنی آنچه را مخفی نموده‌اند) بحارالانوار: ج ۵۲ ص ۲۳۹.

۲- بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۱۵، باب سیره و اخلاقه و...، سورة نمل، آیه ۶۲.

ترجمه: «سپس امام باقر (علیه السلام) فرمودند، او (امام زمان (علیه السلام)) همان مضطری است که در قرآن می باشد، آیا کسی هست جواب مضطر را بدهد وقتی او را می خواند، و ناراحتی او را برطرف می کند و شما را روی زمین خلیفه قرار بدهد».

این روایت دلالت می کند بر این که آن جنابش مستجاب دعوه می باشد.



□ بشارت سوم: (باسک)

از کتاب «باسک» که از کتب آسمانی هندوها می‌باشد، در آن کتاب چنین مکتوب است.

[دور دنیا تمام می‌شود، به پادشاهی عدلی در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمینها و کوهها پنهان باشد، خبر دهد و از او بزرگتر کسی به دنیا نیامده باشد]

تکاتی که در این جا ذکر شده است عبارت است از:

- ۱- تمام شدن، دور دنیا به پادشاهی عادل.
- ۲- امام ملائکه و جن و انسان می‌باشد و حق با اوست.
- ۳- آنچه از گنجهای پنهان است در زمین به دست می‌آورد.
- ۴- خبر از آسمانها و زمین می‌دهد و...

در دو نکته اول و دوم سخن راندیم. و اما در رابطه با ملائکه

بیان می‌شود.

تکته‌های سوم و چهارم:

۱- «از اسی هریره نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: بیرون می‌ریزد، زمین گنجهای خود را مانند پایه‌های طلا و نقره، در این حال قاتل می‌آید و می‌گوید: من به خاطر این کشتم، و قاطع رحم می‌آید و می‌گوید: من برای این قطع رحم نمودم و سارق می‌گوید: برای این دستم را بریدند، و او را می‌طلبند و می‌گویند: هر چه خواهی بردار او چیزی بر نمی‌دارد». (۱)

۲- «در منتهی الآمال در ذکر جمله‌ای از خصایص حضرتش در شماره بیست و دوم می‌نویسند: بیرون کردن زمین گنجها و ذخیره‌هایی که در او پنهان و سپرده شده است».

۳- «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَمَّا عَرَّجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَ مِنْهَا إِلَى السُّدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَ مِنْ السُّدْرَةِ إِلَى حُجْبِ الثُّورِ، نَادَانِي رَبِّي (جَلَّ جَلَالُهُ): يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَ أَنَا رَبُّكَ، فَلِي فَأَخْضِعْ وَ إِنِّي فَاعْبُدْ، وَ عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ وَ بِي فَتَقِ فَأَنْتِ قَدْ رَضِيتُ بِكَ

۱- ينابيع المودة: ج ۲ باب ۷۲، ص ۳۶۰، صاحب مشكاة المصابيح در نشانه‌های ظهور.

عَبْدًا (إِلَىٰ أَنْ قَالَ ﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾) وَ بِالْقَائِمِ مِنْكُمْ، أَعْمُرُ أَرْضِي
 بِتَشِيحِي وَ تَقْدِيسِي وَ تَهْلِيلِي وَ تَكْبِيرِي وَ تَعْجِيدِي وَ بِهِ
 أَطْهَرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَ أَوْرَثَهَا أَوْلِيَائِي وَ بِهِ أَجْعَلُ
 كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِبِي السُّفْلَىٰ وَ كَلِمَتِي الْعُلْيَا، بِهِ أُخْبِي
 بِلَادِي وَ عِبَادِي بِعِلْمِي وَ لَهُ أَظْهَرُ الْكُنُوزَ وَ الدَّخَائِرَ
 بِمَشِيَّتِي وَ آيَاةُ أَظْهَرُ عَلَى الْأَشْرَارِ وَ الضَّالِّينَ بِإِزَادَتِي وَ
 أَمْدُهُ بِمَلَائِكَتِي لِتُوَيْدُهُ عَلَىٰ إِنْقَاذِ أَمْرِي وَ إِعْلَانِ دِينِي
 ذَلِكَ وَلِيِّ حَقًّا وَ مَهْدِيٌّ عِبَادِي صِدْقًا» (۱)

ترجمه: «از ابن عباس روایت شده است که رسول

خدا صلی الله علیه و آله فرمودند وقتی به آسمان هفتم عروج نمودم
 و از آسمان هفتم به سوی سدره المنتهی و از آنجا به
 حجابهای نور رفتم، پروردگارم ندا داد:

ای محمد صلی الله علیه و آله تو بنده منی و من رب توأم، پس
 برای من خضوع نما و فقط مرا عبادت کن و بر من توکل
 کن و به من اعتماد نما، پس همانا من به بندگی تو
 رضایت دادم (تا آنجا که می فرماید) و به واسطه قائم از
 شما زمینم را به واسطه ذکر و تقدیس و تهلیل و

۱- امالی صدوق: بحار الانوار: ج ۵۱، باب ماورد من الاخبار القائم: ح ۳.

تکبیرم و تمجیدم آباد می‌کنم.

و به واسطه او زمین را از دشمنانم پاک می‌کنم، و
دوستانم را وارثان شهرهایم می‌کنم، و به واسطه او کلمه
کافران به خودم را پائین می‌کشم، و کلمه خودم بلند
می‌گردانم، و به واسطه او شهرهایم را و بندگانم را به
علمم زنده می‌گردانم، و برای او گنجها و ذخایر را به
خواست و اراده خودم ظاهر می‌گردانم، و او را به
ملائکه‌ام یاری می‌دهم، تا تأییدش کنند برای انفاذ امر
من، و اعلان دین من، او ولی من است حقاً و هدایت
کننده بندگان من به راستی می‌باشد».

همان طوری که به صراحت در این روایات خصوصاً روایت
سوم بیان شده است عین همان کلماتی است که در کتاب پاسک
بیان شده است، و نیازی به توضیح و بیان بیشتر ندارد.



□ بشارت چهارم: (پاتیکل)

در کتاب زبدة المعارف و ذخیره الالباب و تذکرة الاولیاء - از کتاب پاتیکل - که از بزرگان هندیان است و به اعتقاد آنان او صاحب کتاب آسمانی بوده است، نقل می‌کند:

[چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه، نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود، از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی ناموس اعظم (مراد پیامبر ﷺ می‌باشد) و دیگری صدیق اکبر، یعنی وصی بزرگتر که - پیشن (پشن به معنی «علی» در عربی است)، نام دارد، و نام (صاحب ملک تازه) یعنی (امام زمان) بزرگترین نماینده راهنمایان الهی و نامش نیز هادی، و مهدی و قائم بالحق می‌باشد، بحق پادشاه شود، و خلیفه رام^(۱) باشد. و حکم براند و او را معجزه

۱- رام: یعنی خدا - لفظ رام لفظ سانسکریتی است.

زیاد باشد. هر که پناه بر او برد و دین پدران او را اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد رام و دولت او بسیار کشیده شود، و آخر دنیا به او تمام شود و از سال دریای محیط و جزایر سراندیب و قبر حضرت آدم علیه السلام و جبال القمر تا شمال هیکل زهره تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند. و بتخانه سومنات را خراب کند. و جگرنات (نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می دانند) به فرمان او به سخن در آید. و به خاک افتد. پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد. و هر بتی که در هر جا باشد، بشکند.]

مطالبی که در این کتاب ذکر شده است دارای نکاتی است و آنها عبارتند از:

- ۱- آمدن صاحب ملک تازه بعد از کهنه شدن دنیا. (یعنی آخر الزمان) و به عبارت دیگر زنده و نو شدن دنیا بعد از کهنه شدن (کنایه از خراب شدن و دوباره آباد شدن دنیا می باشد). صاحب ملک تازه پیدا می شود، یعنی ظهور بعد از غیبت.
- ۲- فرزندان پیشوای بزرگ - پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام - باید باشد.

۳- اسامی حضرت غیر از صاحب الزمان (صاحب ملک تازه) -

مهدی - هادی و قائم بالحق می‌باشد، و خلیفه الله است.

۴- اطاعت او و اختیار دین پدرانش سرخ روی بودن نزد خدا را به دنبال دارد.

۵- آخرین حاکم و پادشاه در دنیا می‌باشد، و بعد از ایشان دنیا تمام می‌شود. و بر جهان تسلط پیدا می‌کند و باطل را از بین می‌برد.

روایات زیادی در این باب وارد شده است که همه آنها دال بر این نکات می‌باشند. و خود این سندی بر حقانیت دین اسلام و مذهب حقه تشیع می‌باشد.

اما روایت داله بر این نکات:

۱- «قال علی علیه السلام ﴿لَتُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شَمْسِهَا الضُّرُوشِ عَلَيَّ وَوَلَدِهَا﴾ (۱) ﴿ثُمَّ تَلَا علیه السلام ﴿هُدِهِ الْآيَةَ (وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)﴾. (۲)

«ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می‌گوید، اصحاب ما می‌گویند، امیرالمؤمنین علیه السلام وعده داده است، به امامی که مالک زمین می‌شود، یا پادشاه زمین می‌شود و بر تمامی مملکتها مستولی می‌شود».

۱- نهج البلاغه: ج ۳ و ایضاً بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۶۴ ح ۶۶.
۲- سوره قصص: آیه ۵.

قبل از ترجمه کلام مولای متقیان ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ لازم است که برخی کلمات را معنی کنیم: لَتَعْطِفَنَّ بَعْدَ شِئَابِهَا، یعنی روی آوردن بعد از عصیان، مثل عَطَفَتِ النَّاقَةُ عَلَى وَلَدِهَا، یعنی ناقة بعد از عصیان بر فرزندش روی آورد.

ضروس، به ناقة گفته می‌شود. بنابراین معنی عبارت است از:

امیر المؤمنین ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ فرمودند: «دنیا به ما روی می‌آورد بعد از این که عصیان نمود بر ما، مثل روی آوردن ناقة بر فرزندش (همانطوری که ناقة‌ای که نمی‌گذارد فرزندش از شیر او بخورد، بالاخره برمی‌گردد و می‌گذارد که فرزندش از شیر او استفاده کند).

سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ما اراده نمودیم که بر کسانی که ضعیف شمرده شده‌اند بر روی زمین آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار می‌دهیم».

مخفی نباشد، دو نکته در این روایت نیاز به توضیح دارد.

اما نکته اول: استعمال کنائی در کلمات در حضرتش شده است، که معنای روان آن این طور می‌شود: دنیا بر ما (اهل بیت) ﴿عَلَيْهِمُ السَّلَام﴾ روی می‌آورد بعد از جفا و مکروهات بسیاری که به ما رسید، و ما وارثان زمین و حاکمان آن خواهیم بود.

نکته دوم: مراد از مستضعفین در آیه اهل بیت معصوم می‌باشند. همان طوری که مولای متقیان در جای دیگر

می فرمایند: مستضعفین در زمین آنانی که در قرآن بدانها اشاره شده است، به اینکه آنان را وارثان و پیشوایان روی زمین قرار می دهد، ما اهل البیت هستیم که خداوند مهدی آنها را می فرستد و عزیز می گرداند ایشان را و دلیل می گرداند دشمنان ایشان را. (۱) یا توجه به این نکات نتیجه می گیریم حکومت در آخر از آن امام زمان علیه السلام خواهد بود و اوست که دنیا در تحت تسلط او قرار می گیرد.

۲- در تفسیر مجمع البیان و تفسیر عیاشی از امام چهارم علیه السلام نقل می کنند، که علی بن الحسین علیه السلام قرائت فرمودند این آیه را:

(وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ). (۲)

و سپس فرمودند:

«هُمُ وَاللَّهُ شِيعَتِنَا أَهْلُ الْبَيْتِ فَعَلَّ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْهَا، وَ هُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَ هُوَ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي إِسْمُهُ إِسْحَى يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». (۳)

۱- بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۶۳، در باب آیات مأموله... ح ۶۵.

۲- سوره نور: آیه ۵۶. ۳- مجمع البیان: ج ۷، ص ۱۵۲.

ترجمه: «حضرت علی بن الحسین علیه السلام بعد از تلاوت این آیه شریفه (کسانی را که خداوند وعده داده است، که جانشیان بر روی زمین قرار بدهند و دین او را که به آن دین رضایت داده تمکین نمایند) فرمودند: قسم به خداوند، آنها شیعیان ما می باشند و خداوند این کار (خلافت بر زمین و احیای دین خداوند) به واسطه آنان بر دست مردی از ما به انجام می رساند، و اوست مهدی این امت و او همانی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر نماند، خداوند آن روز را طولانی می گرداند، تا اینکه مردی از اهل بیت من بیاید اسم او اسم من می باشد، پر می کند زمین را از عدل و داد، بعد از ظلم و ستم پر شده باشد».

این روایت بالصراحة دلالت بر هر دو نکته دارد.

و اما نکته دوم: فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام باشد، علاوه بر این که روایاتی را در بشارت اول بیان نمودیم، دلالت دارد که مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد، روایت دوم این بشارت هم دال بر این نکته می باشد.

و ضمناً می دانیم که یگانه بانوی جهان حضرت زهرا علیها السلام فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر امیر المؤمنین علیه السلام می باشد و امام زمان علیه السلام از سلاله پاک این دو لؤلؤ کمیاب بشریت بلکه نایاب

بشریت می‌باشند.

و اما روایاتی که دلالت دارد ایشان از سلاله پاک مولای متقیان می‌باشد عبارتند از:

۱- «رَوَى الصَّدُوقُ علیه السلام عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا علیه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ علیه السلام لِلْحُسَيْنِ علیه السلام التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمَظْهَرُ لِلدِّينِ الْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ (الحديث)». (۱)

ترجمه: «مرحوم صدوق علیه السلام از امام رضا علیه السلام از پدرانش از امیرالمؤمنان علیه السلام که ایشان به امام حسین علیه السلام فرمودند، نهمین نفر از نسل تو یا حسین علیه السلام همان قائم بالحق می‌باشد، که مظهر دین و گسترش دهنده عدل می‌باشد.» (تا آخر حدیث)

۲- در کتاب اکمال الدین که از مرحوم شیخ صدوق است. به اسنادش از امام باقر علیه السلام از پدرش از جدش نقل می‌فرمایند، ایشان یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که بر روی منبر بودند، فرمودند:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ، أَبْيَضُ

۱- بحارالانوار: ج ۴۱، ص ۲۸۳ الی ص ۳۶۰، روایت نقل شده است از امیر المؤمنین علیه السلام این روایت و بعدی آن می‌باشد.

اللُّون، مُشْرِبٌ بِالْحُمْرَةِ (الحديث)» (۱).

ترجمه: «مردی از نسل من در آخر الزمان خروج می‌کند، که رنگش سفید مایل به سرخی می‌باشد».

۳- «عن ابی سعید الخدری قال رسول الله ﷺ: اسم المهدي اسمی»

ترجمه: «ابی سعید خدری می‌گوید که رسول خدا ﷺ فرمودند اسم مهدی (عجل الله) اسم من است» (۲).

۴- «قال أمير المؤمنين عليّ ﷺ: اسم المهدي: مُحَمَّدٌ ﷺ وَ سُمِّيَ بِالمَهْدِيِّ لِأَنَّ اللهَ تَعَالَى يَهْدِيهِ وَ يُرْشِدُهُ إِلَى الْأُمُورِ الخَفِيَّةِ الَّتِي لَا يَطَّلِعُ عَلَيْهَا أَحَدٌ» (۳).

ترجمه: «امیر المؤمنین ﷺ فرمودند: اسم مهدی اسم من است، و مهدی (عجل الله) مهدی نامیده شد، چون خداوند (تعالی) او را به سوی امور خفیه که کسی از آنها آگاهی ندارد، راهنمایی می‌کند».

۵- «قال الإمام الباقر ﷺ: إِذَا قَامَ مَهْدِيُنَا أَهْلَ البَيْتِ، قَسَمَ بِالسَّوِيَةِ وَ عَدَلَ فِي الرِّعَايَةِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ»

۱- به عنوان فوق: ص ۳۹.

۲- کتاب البرهان فی علامات آخر الزمان (مؤلف: متقی هندی - حنفی بوده است) ح

۳- البرهان فی علائم آخر الزمان: ح ۹.

أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِي
لِأَنَّهُ يُهْدِي إِلَى الْأَمْرِ الْحَقِيِّ» (۱)

ترجمه: «امام باقر علیه السلام فرمودند: تا زمانی که مهدی
ما اهل بیت قیام کند، بین مردم (اموال و غیره) را به
تساوی تقسیم می‌فرمایند. و در بین رعیت به عدل و
انصاف رفتار می‌فرماید. هر که او را اطاعت کند خدا را
اطاعت کرده است، و هر که او را عصیان کند، خدا را
عصیان نموده است، همانا نامیده شده است به مهدی،
چون که به سوی امر مخفی هدایت شده است.»

و مضافاً روایت دیگری در بشارت سوم از امام باقر علیه السلام نقل
نمودیم که مفصل‌تر و دلالت دارد که اطاعت از امام زمان اطاعت
از خداوند است. پس آنچه واضح است، و نیازی به بیان ندارد، به
خاطر این است که این مسئله در ادیان هند به حدی واضح و
روشن است، همان طوری که بین مسلمین اشتها دارد، و اگر در
تمام آنچه ما در مورد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) می‌گوئیم
وجه اشتراک نداشته باشند، در اصول آن یا هم قطعاً مشترک
می‌باشیم.

بعد از این که از بشارتی که از هندوان نقل نمودیم،
بشارت‌هایی را از جاماسب‌نامه و دین‌زرتشت شروع می‌کنیم.



□ بشارت پنجم: (جاماسب)

از کتاب جاماسب که مسمی به جاماسب‌نامه می‌باشد، نقل می‌شود. جاماسب برادر گشتاسب بن سهراب بوده است و در سال چهار هزار و نهصد و نود و شش سال پیش از هبوط آدم علیه السلام زندگی می‌نموده است. مدتی نزد زرتشت کسب معارف می‌نمود، و مدتی هم شاگرد چنگر مهاجر هندی بوده است. او در کتاب خود می‌نویسد:

[مردی بیرون می‌آید از سرزمین تازیان (اعراب) از فرزندان هاشم، مردی بزرگسرو و بزرگتن و بزرگساق، پر دین جد خویش است. با سپاه بسیار رو به ایران نهاد. و آبادانی کند و زمین پر داد کند].

و در جای دیگر بعد از ذکر فتوحات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، و این که دین اسلام مبطل سایر ادیان است، می‌نویسد:

[از فرزندان دختر آن پیامبر صلی الله علیه و آله که خورشید جهان و شاه زمان نام دارد کسی پادشاه شود، در دنیا

به حکم یزدان، که جانشین آخر آن پیامبر صلی الله علیه و آله باشد در میان دنیا که مکه باشد. و دولت او تا به قیامت متصل شود. و بعد از پادشاهی او دنیا تمام شود. آسمان جفت گردد، و زمین به آب فرو رود، و گوها بر طرف شود، و اهرمن کلان که ضد یزدان، بنده عاصی او باشد، بگیرد و در حبس کند.

و از خوبان و پیمبران گروه بسیار زنده کند، و از

بدان گیتی گروهی را و...

در اینجا به مطالبی اشاره می‌کنیم که در متن از آنها ذکر شده است و آنها بر طریق روایاتی هستند، که اهل بیت معصوم علیهم السلام به ما رسیده است و آنها عبارتند از:

۱- از خصوصیات حضرت علیه السلام این است که از سرزمین اعراب می‌آید، دارای بدنی قوی و هیكلی درشت می‌باشد، می‌گوید دارای سری بزرگ است. (یعنی از حیث عقل و درایت کامل است.)

۲- بر تمام جهان حکومت می‌تواند.

۳- آخرین جانشین پیامبر و از فرزندان دختر حضرتش می‌باشد.

۴- حکم پادشاهی او از طرف خداوند در میان دنیا یعنی مکه می‌باشد.

۵- اتصال حکومت به قیامت.

۶- از خوبان و پیامبران گروهی و از بدان گروهی را زنده می‌کند.

آنچه را قبلاً در بشارتهای قبل بیان نمودیم و نقد و بررسی نمودیم، دگر باره تکرار نمی‌کنیم. فقط اشاره اجمالی به مابقی نکات خواهیم نمود.

۱- «عَنْ حُدَيْقَةَ أَيْضاً قَالَ: رَسُوْلُ اللهِ ﷺ الْمُهْدِي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكُوكَبِ الدَّرِيِّ، اللَّوْنُ عَرَبِيٌّ وَ الْجِسْمُ إِسْرَائِيلِيٌّ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ، وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوِّ، يَمْلِكُ عِشْرِينَ سَنَةً» (۱)

ترجمه: «از حدیقه نقل شده است، که گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند: مهدی (عج) مردی از فرزندان و نسل من است، صورتش مثل ستاره‌ای درخشان است. رنگ صورتش عربی است. (کنایه از سبزه و نمکین بودن آن جناب می‌باشد.) هیکل اسرائیلی دارد (کنایه از تنومند بودن و قوی بودن ایشان می‌باشد.) زمین را پر از عدل می‌کند، بعد از این که پر از جور شده باشد، در

خلافت و پادشاهی او بر جهان، اهل آسمان خوشنود و راضی می باشند و همین طور پرنندگان در هوا (چه برسد به آدمیان) بیست سال پادشاهی می کند».

۲- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي ابْنُ أَرْبَعِينَ كَانَ وَجْهُهُ كَوَكْبِ دُرِّي، فِي خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ أَسْوَدٌ، عَلَيْهِ عَبَاتَانِ قَطْوَانِيَانِ، كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، يَمْلِكُ عَشْرِينَ سَنَةً، يَخْرُجُ الْكُنُوزَ، وَيَفْتَحُ الْمَدَائِنَ» (۱).

ترجمه: «حضرت رسول ﷺ فرمودند: مهدی از نسل من فرزند چهل ساله است (یعنی چهل سال نشان می دهد) صورتش مثل ستاره ای درخشان است و در گونه راست او خال سیاهی می باشد، بر او عبای قطوانی می باشد، مثل اینکه از مردان بنی اسرائیل است. بیست سال حکومت می کند. گنجهای زمین را بیرون می آورد. (بیست سال حکومت می کند) و شهرها را فتح می نماید».

۳- «عَنِ الْإِمَامِ الرَّضَا ﷺ عَنْ أَبِيهِ ﷺ قَالَ:

۱- کتاب بیان از کنجی شافعی: ص ۱۳۷، حافظ ابونعیم در کتاب اربعین جوینی در فرائد السمطين: ج ۲، ص ۳۱۴، يوسف بن يحيى شافعی سلمی، عقد الدرر: ص ۳۶.

لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ».

«نادی رَبِّي (جل جلاله)».

«یا مُحَمَّدُ قُلْتُ: لَبَّيْكَ رَبِّي (إِلَى أَنْ قَالَ) فَقُلْتُ: يَا

رَبِّ هُوَ لَاءِ أَوْصِيَانِي بَعْدِي؟

فَتَوَدَّعْتُ يَا مُحَمَّدُ هُوَ لَاءِ أَوْلِيَانِي وَ أَحِبَّائِي وَ
أَصْفِيَانِي وَ خَجَجِي بَعْدَكَ عَلَى بَرِّيْتِي، وَ هُمْ أَوْصِيَاكَ وَ
خُلَفَاؤُكَ وَ خَيْرُ خَلْقِي بَعْدَكَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَطْهَرَنِّ
بِهِمْ دِينِي وَ لِأَعْلِيَنِّ بِهِمْ كَلِمَتِي وَ لِأَطْهَرَنِّ الْأَرْضَ
بِآخِرِهِمْ مِّنْ أَعْدَائِي وَ لِأَمْلِكَنَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ
مَغَارِبَهَا وَ لِأَسْخِرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ وَ لِأُذَلِّلَنَّ لَهُ السَّحَابَ
الصَّغَابَ، وَ لِأَرْقِيَنَّهُ فِي الْأَشْبَابِ، وَ لِأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَ
لِأَمُدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي، وَ يَجْمَعُ الْخَلْقَ عَلَى
تَوْحِيدِي ثُمَّ لِأَدِينَنَّ مُلْكُهُ وَ لِأُدَاوِلَنَّ الْآيَاتِمَ بَيْنَ أَوْلِيَانِي
يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۱).

ترجمه: «از امام رضا علیه السلام از ابناء گرامش نقل

فرمودند، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی به آسمان

عروج نمودم، پرورگارم به من ندا داد: ای محمد،

گفتم: لبیک رب من (تا آنجا که می فرماید) پس گفتم:

۱- لئالی الشرایع: ج ۱ ص ۵-۷، عیون خبار الرضا علیه السلام: ج ۱، ص ۲۶۲ الی

ای ربّ آنان اوصیاء بعد از من می‌باشند.

تدا داده شدم: ای محمد، آنان دوستان من و محبّین من، و برگزیدگان من، و حجّت‌های من بعد از تو بر مخلوقات من می‌باشند.

و آنان اوصیاء تو و جانشینان تو و بهترین خلق من بعد از تو می‌باشند. به عزّت و جلالم، هر آینه به واسطه آنان دینم را ظاهر می‌گردانم، و به واسطه ایشان کلمه خودم را بلند می‌کنم، و به واسطه آخرین نفر از جانشینان تو زمین را از دشمنانم پاک می‌گردانم. و او را پادشاه مشرق و مغرب زمین قرار می‌دهم. و بادها مستخرش می‌گردانم، و ابرهای سخت را ذلیل او می‌گردانم و او را بر سببها مسلط می‌گردانم. مراد از تسلط حضرت علیه السلام بر اسباب این است همانطوری که خداوند به سبب ابر باران نازل می‌فرماید و سایر اموری که در ایجاد آن نیاز به سبب و واسطه دارد، این اسباب تحت تسلط ایشان، و به اختیار ایشان قرار خواهند گرفت و او به لشگریانم یاری می‌دهم، و به ملائکه‌ام او را مدد می‌کنم، تا دعوت مرا اظهار کند. و تمام خلق را بر توحیدم جمع کند سپس پادشاهی او را دوام می‌دهم و

آن ایام را بین برای دوستانم تا روز قیامت قرار می‌دهم».

۴- «عن حذیفة قال سمعت رسول الله ﷺ ذكر المهدي، فقال: إنه ينبغ بين الركن والمقام، اسمه أحمد وعبد الله والمهدي، فهذه أسماؤه ثلاثتها» (۱).

ترجمه: «از حدیفه نقل شده است به اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ نزد یادآوری مهدی فرمود: بنا او بیعت می‌شود، بین رکن و مقام، اسمش احمد و عبد الله و مهدی است. پس از سه اسم از اسامی حضرتش می‌باشد».

۵- «و بالأسناد يرفعه أبي بصير، عن أبي جعفر ع قال: إن القائم ينظر من يومه ذي طوى في عدة أهل البدر ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلاً حتى يسند ظهره إلى الحجر و يهز الرأية المغلبة قال علي بن أبي حمزة: ذكرت ذلك لأبي إبراهيم ع قال: و كتاب مسطور».

ترجمه: «از امام باقر ع نقل شده که فرمودند: همانا قائم (عجل الله تعالى) انتظار می‌کشد تا به اندازه

تعداد اهل بدر که سیصد و سیزده نفر بودند، جمع شوند
تا تکیه دهد پشتش را بر حجر الاسود و پرچم پیروزی را
بلند فرماید.

علی ابن حمزه می گوید این مطلب را پیش ابی
ابراهیم (امام صادق علیه السلام) فرمودند این کتابی است
منشور. (کنایه از این است این حتمی است).

این دو روایت دلالت دارد. که قیام حضرت از مکه می باشد، و
سرزمین اعراب می باشد و عجیب اینجاست که نام فعلی این کشور
عربستان یا به فارسی سرزمین تازیان می باشد.

مخفی نباشد که روایات زیادی دلالت بر این نکته دارند.

۶- «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ: ذَكَرْنَا الْقَائِمَ، وَ مِنْ مَنَاتِ
مِنْ أَصْحَابِنَا يَنْتَظِرُهُ».

فَقَالَ لَنَا الْأَمَامُ الصَّادِقُ علیه السلام:

إِذَا قَامَ... أَتَى الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ، فَيَقَالُ لَهُ: يَا هَذَا... إِنَّهُ
قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ، فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ، وَإِنْ
تَشَاءُ فِي كِرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِمَّ» (۱)

ترجمه: «از مفضل بن عمر نقل شده، که ما یادآوری

۱- حق الیقین: مؤلف سید عبدالله شبیر، ج ۲، ص ۱۴.

نمودیم حضرت قائم (عجل الله) را، به اینکه اگر کسی از اصحاب ما بمیرد و منتظر حضرتش باشد، چگونه خواهد بود.

حضرت امام صادق (ع) فرمودند:

وقتی حضرتش قیام فرمودند، می آید نزد قبر مؤمن در قبرش، پس به او گفته می شود. ای فلانی صاحب تو قیام فرموده است. اگر می خواهی به او ملحق شو، (یعنی زنده شود و به خدمت ایشان در آی) و اگر می خواهی در کرامت پروردگارت مقیم باشی.

۷- از امام صادق (ع) نقل شده است، در مورد

خواندن دعای عهد به اینکه:

«مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِهَذَا الْعَهْدِ، كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَ نُحِيَ عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ» (۱)

ترجمه: «هر کسی بخواند خدای را چهل صبح به

این دعای عهد، او از انصار و یاران حضرت قائم (عجل

۱- مفاتیح الجنان (عربی): ص ۵۳۹، ۵۴۰، کتاب مصباح شیخ عاملی کشفی: ص ۵۵۱، ۵۵۲.

الله) خواهد بود، اگر قبل از خروج حضرت از دنیا برود، خداوند متعال او را از قبرش بیرون می آورد، و به هر کلمه‌ای هزار حسنه به او می دهد و هزار گناه از او محو می کند».

مضافاً آنچه در این دعای عهد از خداوند می خواهیم (به اینکه اگر من فوت نمودم مرا در وقت خروج حضرت مهدی (عجل الله) زنده بگردان الی آخر دعا) دلالت می کند، که برخی زنده می شوند.

۸- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ

بِعَامَّةٍ، وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا مَنْ مَحَضَ
الْإِيمَانَ مَحْضًا وَ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحْضًا».

ترجمه: «حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند:

برگشتن به این دنیا برای همه نمی باشد و عمومیت ندارد، بلکه خاص است، و گروهی خاص زنده می شوند، به دنیا بر نمی گردد مگر آنی که در ایمان خالص باشد خالص شدنی یا در خالص در کفر خالص شدنی» (۱).

این روایت دلالت می کند، که فقط خوبان خالص و بدان خالص زنده می شوند خوبان برای خدمت به حضرتش و بر پا نمودن دین

حق، و بدان برای اینکه از آنان انتقام گرفته شود. روایات دیگری
دالّ بر این نکات موجود است ما به همین مقدار بسنده می‌کنیم.
و لیکن مخفی نباشد، این غیر از عذاب قیامت است، که بر
مجرمان وارد می‌شود.



□ بشارت ششم: (زبور)

این بشارت از کتاب زبور حضرت داود (عليه السلام) می‌باشد، در آنجا حضرتش را به عنوان ملک‌زاده معرفی نموده است.
در آنجا می‌فرماید:

[ای خدا، شرع و احکام خود را، و ملک و عدالت خود
را به ملک‌زاده عطا فرما، تا اینکه قوم تو را به عدالت و
فقراء تو را به اتصاف حکم نماید.
فقیران قوم را حکم نماید و پسران مسکینان را نجات
دهد و ظالمان را بشکند.
از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی نقاط زمین
سلطنت خواهد نمود، صحرائشینان در حضورش خم
خواهند شد، دشمنانش خاک را خواهند پوسید، بلکه
تمامی ملوک به او کرنش خواهند نمود، و تمام امم او را
بندگی خواهند کرد.]

زیرا فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکین را که یاری کننده ندارد، خلاصی خواهد داد، و به ذلیل و مسکین، ترحم خواهد فرمود، و جانهای مسکینان را نجات خواهد داد، جان ایشان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد.

و هم در نظرش خون ایشان را قیمتی خواهد بود، در زمین به سر کوهها مشت غله کاشته می‌شود، که محصول آن مثل انسان متحرک شده، اهل شهرها مثل گیاه زمین شکوفه خواهند نمود، اسم او ابداً بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت.

تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت، بلکه اسم ذوالجلال او ابداً مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پر شود.»

دعای داود پسر یسی تمام شد. (۱)

مخفی نباشد، مراد ملک‌زاده در روایت حضرت بقیة الله الاعظم (روحی و ارواح العالمین له الفداء) می‌باشد. زیرا، اگر مصداق کاملی برای ملک‌زاده پیدا شود، حضرتش می‌باشد. چون

از جهت پدر به خاتم النبیین و المرسلین و همچنین به امیر المؤمنین علیه السلام ختم می‌شود و تمام آباء گرامیشان امام و حجت‌های الهی می‌باشند و جدّ اعلاّی ایشان هاشم بن عبد مناف تا حضرت ابراهیم علیه السلام همه و همه از بزرگان و اعظام دوران خود بوده‌اند. و در زمانشان منحصر به فرد بودند.

و اما از جهت مادر نرجس خاتون که توه (یشوعا) قیصر روم می‌باشد و اما همسران آباء گرامیش اکثر به پادشاهان دنیا منسوب بودند مثل دختر شاه حبش و جناب شهریانو دختر یزدگرد سوم (پادشاه ایران) و از همه بالاتر سیده نساء عالمیان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشند.

و علاوه بر این هیچ ملک‌زاده‌ای با این خصوصیات که ایشان فرمودند، تا به حال نیامده است پس بنابراین می‌آید، و آن شخص مهدی موعود (عجل الله) می‌باشد که همه ادیان بدان اشاره دارند.

اما مطالبی که در اینجا بدان اشاره شده است، عبارتند از:

۱- رفتار او بین مردم به عدالت خواهد بود، و دیگر ظلمی در کار نخواهد بود، و بین تمام مردم به تساوی حکم می‌شود. به یاری فقرا و مسکینان می‌شتابد.

۲- بر تمام زمین تسلط خواهد یافت.

۳- زراعات در آن وقت فراوان و همه جا کاشته می‌شود و محصول فراوان خواهد داد.

مخفی نباشد، برخی از این نکات را قبلاً در بشارتهای قبل، بیان نمودیم فلذا نیازی به تکرار یا بیان روایاتی دیگر که دال بر این نکات باشند، نیست. فقط دربارهٔ مطلب سوم چند روایت ذکر می‌کنیم:

۱- «رَوَى عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: (أَبْشِرُوا بِالْمُهْدِيِّ... وَ يُقَسِّمُ الْمَالَ صَخَا حاً بِالسَّوِيَّةِ، وَيَمْلَأُ قُلُوبُ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ غِنَى، وَيَسْعَهُمْ عَدْلُهُ، حَتَّى أَنَّهُ يَأْمُرُ مُنَادِيًا يُنَادِي مَنْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَىَّ؟ فَمَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ يَأْتِيهِ فَيَسْأَلُهُ لَهَ الْمُهْدِيِّ: إِنَّتِ السَّادِنُ حَتَّى يُعْطِيكَ، فَيَأْتِيهِ فَيَقُولُ: أَنَا رَسُولُ الْمُهْدِيِّ إِلَيْكَ لِتُعْطِيَنِي مَالاً، فَيَقُولُ: أَحْتُ (بریز)، فَيُحْتِي (می‌ریزد) مَا لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ فَيُلْقِي مِنْهُ حَتَّى يَكُونَ قَدْرَ مَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ فَيَخْرُجُ بِهِ فَيُنْدِمُ وَ يَقُولُ: أَنَا كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ نَفْساً كُلَّهُمْ دُعِيَ إِلَى هَذَا الْمَالِ فَتَرَكَهُ غَيْرِي، فَيُرَدُّ عَلَيْهِ فَيَقُولُ السَّادِنُ: إِنَّا لَا نَقْبِلُ شَيْئاً أَعْطَيْنَاهُ - الْحَدِيثُ» (۱)

ترجمه: «از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است، که ایشان فرمودند: بشارت بدهید به اینکه مهدی (عجل الله) می آید (تا آنجا که می فرماید) و مال را به تساوی تقسیم می فرماید، و قلوب امت محمد را پراز بی نیازی پر می کند، و عدل او شامل آنان می شود، حتی ایشان امر می فرمایند، یا اینکه منادی ندا بدهد آیا کسی حاجتی به من دارد.

کسی نمی آید مگر یک مرد می آید، و از او درخواست مال می کند. حضرتش (عجل الله) «او را به پیش متولی و خزانه دار می فرستند) و می فرمایند: پیش خزانه دار برو تا به تو عطاء نماید. او پیش خزانه دار می آید و می گوید من فرستاده مهدی (عجل الله) می باشم، به سوی تو، تا به من مال عطاء کنی، خزانه دار می گوید برای خود هر چه می خواهی بردار. او به جدی بر می دارد که نمی توان آن را حمل نماید. دوباره آن را خالی می کند. به اندازه ای که بتواند حمل کند پس می رود، بعد از خروج پشیمان می شود، (با خود) می گوید من بین امت محمد صلی الله علیه و آله از همه طماع تر و خریص تر بوده ام، زیرا همه آنها به سوی این مال خوانده

شده‌اند، پس همه ترک نمودند غیر از من، پس رد می‌کند مال را، ولی خزانه‌دار می‌گوید، ما چیزی را که عطاء نمودیم پس نمی‌گیریم».

۲- «رَوَى عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ (..فَيَجِيءُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعْطِنِي، أَعْطِنِي، أَعْطِنِي، فَيُخْتِ فِي تَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ» (۱).

ترجمه: «از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که ایشان فرمودند:

(بعد بیان مطالبی) پس می‌آید، مردی به سوی مهدی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عرضه می‌دارد، یا مهدی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به من عطا کن، به من عطاء کن، به من عطاء کن.

حضرتش در پیراهن او آنقدر می‌ریزد، که نمی‌تواند، آن را حمل کند».

در این دو روایت، که اشاره دارد به اینکه حضرت اموال را بین مردم، اعم از غنی و فقیر بالسویه تقسیم می‌فرماید، و به عدالت رفتار می‌نماید، علاوه بر آن به سائلین و مساکتین به حدی می‌بخشد، که آنها غنی و بی‌نیاز شوند.

۳- رَوَى أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

أَنَّهُ قَالَ: تَنْتَعِمُ أُمَّتِي، فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْتَعِمُوا
مِثْلَهَا قَطُّ، تُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِذْرَارًا، وَ لَا تَدْعُ الْأَرْضُ
شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ». (۱)

ترجمه: «روایت نمود ابوسعید خدری از

پیامبر صلی الله علیه و آله که ایشان فرمودند: منتعم، می شوند، امت
من در زمان حکومت مهدی علیه السلام به نعمتی که مثل آن
تا به حال منتعم نشده اند، آسمان بر آنها بسیار می بارد،
زمین چیزی از نبات خود را باقی نمی گذارد، مگر آنکه
خارج می کند آن را».

۴- «و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: يَخْرُجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي
الْمَهْدِيُّ، يَسْقِيهِ الْغَيْثَ، وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتُهَا وَ يُعْطَى
الْمَالَ صَحَاحًا، وَ تَكْثُرُ الْمَأْشِيَّةُ وَ تُعْظَمُ الْأُمَّةُ». (۲)

ترجمه: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خروج می کند
مهدی (عجل الله) در آخر امت من. و خداوند سیراب
می کند او را از باران (کنایه از پر باران بودن آن زمان
می باشد.) و زمین نباتش را بیرون می کند، و او مال را به
نحو صحیح عطاء می کند. (یعنی تقسیم بالسویه
می کند)، راههای زیاد می شوند و امت (حضرت

۱- کتاب الرسالة للشافعی: روایت نموده طبرائی در معجم الکبیر خودش و یوسف
بن یحیی در کتاب عقد الدرر. ۲- عقد الدرر: الباب السابع، ص ۱۱۴.

رسول ﷺ بزرگ شمرده می شوند».

۵- «وَقَالَ ﷺ: ... وَ تَزِيدُ الْمِيَاهُ فِي دَوْلَتِهِ وَ تَمُدُّ الْأَنْهَارُ وَ تُضَاعِفُ الْأَرْضُ أَكْلَهَا، (الحديث)» (۱).

ترجمه: «حضرت ختمی مرتبت ﷺ فرمودند آب در دولت مهدی زیاد می شود و نهرها کشیده می شوند» (طولانی می شوند)، و زمین خوراکیهای خود را زیاد می کند».

۶- «قَالَ مَوْلَانَا عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فِي ضَمْنِ حَدِيثٍ طَوِيلٍ... وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لِأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَ لِأَخْرَجَتْ الْأَرْضُ تِبَاتَهَا... حَتَّى تَمُتِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ، لِأَتَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى الثَّنَاتِ...» (۲).

ترجمه: «امیر المؤمنین علی ﷺ در ضمن حدیث طولانی فرمودند: اگر هر آینه قیام کند قائم ما ﷺ آسمان بارانش را نازل می کند، و زمین گیاهانش را بیرون می آرد (تا آنجا که می فرمایند) حتی زن بین عراق و شام که راه می رود، قدمش را نمی گذارد مگر بر روی گیاه».

۷- «قَالَ عَلِيُّ ﷺ فِي حَدِيثِهِ عَنِ الْأَمَامِ

۱- عقد الدرر: باب ۷، ص ۱۴۹.

۲- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۱۹، خصال شیخ صدوق.

المَهْدِي (عَجَّلَ اللهُ): وَ يَزْرَعُ الْإِنْسَانُ مُدًّا يَخْرُجُ لَهُ
 سَبْعِمِائَةَ مُدٍّ كَمَا قَالَ اللهُ تَعَالَى: (كَمَثَلِ حَبَّةِ أَنْبَثٍ سَبْعَ
 سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللهُ يُضَاعَفُ لِمَنْ
 يَشَاءُ)» (۱)

ترجمه: «حضرت مولای متقیان علی علیه السلام»

فرمودند (در روایت طولانی که در مورد عصر حضرت
 مهدی (عجل الله) بوده است) در آن زمان انسان یک
 مُدّ^(۲) از رراعت را (گندم، جو، برنج و...) می‌کارد و
 هفتصد مُد برداشت می‌کند همان طور که خداوند در
 قرآن می‌فرماید مثل مثال حبه‌ای که از او هفت خوشه
 می‌روید و در هر خوشه‌ای صد حبه و خداوند برای هر
 کسی که بخواهد زیاد می‌کند».

تمامی این روایات وضعیت اقتصادی مردم و برکت و بی‌نیازی
 آنان را از اموال دنیا به واسطه ظهور با برکت امام زمان علیه السلام -
 روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه - می‌باشد دلالت
 دارد.

۱- عقد الدرر: باب ۹، ص ۲۰۰، سورة بقره: آیه ۲۶۱.

۲- مُدّ: یعنی ده سیر.



□ بشارت هفتم: (زبور)

کتاب زبور داود علیه السلام همان طوری که قرآن می فرماید:
﴿و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض
یرثها عبادی الصالحون﴾. (۱)
ترجمه: «هر آینه به تحقیق ما در کتاب زبور نوشتیم
بعد از ذکر که وارثان زمین پندگان صالح من خواهند
بود».

و در زبور پس از تسلی و دلداری به حضرت داود علیه السلام که از
شریران رنجیده مشو، زیرا همچون علف هرزه بریده می شوند، بر
خداوند توکل نما، و از او متلذذ باش و آرام گیر و در انتظار به سر
بر... می فرماید:

[شریران منقطع می شوند، اما متوکلان به خداوند
وارثان زمین خواهند شد. و حال اندک است که شریر

نیست که هر چه مکانش را جستجو نمائی ناپیدا خواهد بود، اما متواضعان وارث زمین شده، و از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد. شریران شمشیر را کشیدند تا آنکه مظلوم و مسکین را بیاندازند، کمانهای ایشان شکسته خواهد شد. خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود، در زمان بلاء خجل نخواهند شد، و در ایام قحطی سیر خواهند بود، لکن شریران هلاک خواهند شد و دشمنان خدا فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد، زیرا که مقبرگان خداوند وارثان زمین خواهند بود. اما ملعونان وی منقطع خواهند شد. صدیقان وارث زمین شده و ابداً در او ساکن خواهند شد، به خداوند پناه برده، راه او را نگاهدار که تو را به وراثت زمین بلند خواهد کرد، در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید. اما عاصیان عاقبت مستأصل و عاقبت شریران منقطع می‌شوند. (۱)

مطالبی را که در اینجا مذکور است عبارتند از:

۱- وراثت صالحان و از بین رفتن ستمگران.

۲- از بین رفتن فقر.

۱- کتاب زیور داود: مزبور ۳۷، از آیه ۹ تا ۳۸.

۳- ز امر به صبر و انتظار فرج.

روایاتی که دال بر این مطالب می‌باشند بسیار فراوان می‌باشد، به بعضی از آنها اشاره شد، و به برخی اشاره می‌شود.

۱- «رَوَى عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ... فَإِذَا اجْتَمَعَ عِنْدَهُ عَشْرَ آفِ رَجُلٍ، فَلَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ إِلَّا آمَنَ بِهِ وَصَدَّقَهُ». (۱)

ترجمه: «از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده است، که فرمودند (در ضمن خبری طولانی): پس هر وقت نزد حضرتش عَلَيْهِ السَّلَامُ ده هزار مرد جمعه شوند، باقی نمی‌ماند یهودی و نه نصرانی مگر آنکه به ایشان ایمان می‌آورند، و ایشان را تصدیق می‌کنند».

۲- این روایت به نحو دیگری هم نقل شده است، آن این است:

«... فَإِذَا اجْتَمَعَ عِنْدَهُ الْعَقْدَ (عَشْرَةَ آفِ رَجُلٍ) فَلَا يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ وَلَا أَحَدٌ، مِمَّنْ يَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا آمَنَ بِهِ وَصَدَّقَهُ، وَتَكُونُ الْمِلَّةُ وَاحِدَةً: مِلَّةُ الْإِسْلَامِ، وَكُلُّ مَا كَانَ فِي الْأَرْضِ مِنْ مَعْبُودٍ سِوَى اللَّهِ تَعَالَى تُنَزَلُ عَلَيْهِ نَارٌ مِنَ السَّمَاءِ فَتُحْرَقُهُ». (۲)

ترجمه: «... پس وقتی نزد حضرتش عَلَيْهِ السَّلَامُ به اندازه

۱- کتاب العرش الواضح مؤلف عبدالهادی ابیاری: ص ۲۰۹.

۲- کتاب نورالابصار مؤلف شبلنجی مصری: باب ۱۵۵.

عَقْد (یعنی ده هزار مرد جنگی) جمع شدند، باقی نمی ماند، نه یهودی و نه نصرانی و نه کسی که عبادت کند غیر خداوند را، مگر آنکه ایمان می آورد به حضرتش و تصدیقش می کند. و در آن وقت ملت یک ملت می شود، و آن هم ملت اسلام و هر معبودی (خدائی که عبادت می شد) که غیر از خداوند بر روی زمین موجود بوده است، آتشی از آسمان می آید و او را می سوزاند».

۳- ... وَ يَسِيرُ الْمَهْدِي حَتَّى يُنْزِلَ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ، وَ تُنْقَلُ إِلَيْهِ الْخَزَائِنُ وَ تَدْخُلُ الْعَرَبُ وَ الْعَجَمُ وَ أَهْلُ الْحَرْبِ وَ الرُّومِ وَ غَيْرِهِمْ فِي طَاعَتِهِ مِنْ غَيْرِ قِتَالٍ حَتَّى تَبْنِي الْمَسَاجِدَ بِالْقُسْطَنْطِينِيَّةِ وَ مَا دُونَهَا (الحديث)» (۱).

ترجمه: «روایت شده است از مولای متقیان در

حدیثی طولانی، که ایشان در ضمن آن فرمودند:

و می گردد مهدی (عجل الله تعالی فرجه) تا بیت المقدس که آنجا نزول اجلاس می فرمایند، و خزائن همه به سوی ایشان منتقل می شود. و در آن وقت عرب، و عجم و اهل حرب و روم و غیر آنها مطیع او می شوند،

۱- کتاب کنز العمال (لمتقی الهندی): ج ۲ ص ۲۶۱.

بدون جنگ و خونریزی، تا مساجد قسطنطنیه و غیر آن را بنا می فرمایند. تا آخر حدیث».

تمامی این روایات دلالت دارند که دیگر شریری باقی نمی ماند و دین یک دین می شود و آنچه باقی می ماند، مؤمنین می باشد، مخفی نباشد در بشارتهای سابق بیان نمودیم به این که صالحین وارثان زمین خواهند شد، و ستمگران بر جای خود خواهند نشست تو از بین خواهند رفت و اما امر به انتظار فرج در روایات زیادی آمده است، از جمله:

۱- «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) عَنْ آبَائِهِ (عليهم السلام) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ:

أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي إِسْتِظَارُ الْفُرَجِ مِنْ اللَّهِ
(عز وجل)، (۱)

ترجمه: «از حضرت ابی الحسن (عليه السلام) از پدران گرامیش (عليهم السلام) روایت شده است، که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند:

بهترین اعمال امتم انتظار کشیدن فرج از خداوند متعال است».

۲- «مُحَمَّدُ بْنُ الْفُضَيْلِ عَنِ الرَّضَا عليه السلام» قَالَ: سَأَلْتُهُ
عَنْ شَيْءٍ مِنَ الْفَرَجِ فَقَالَ عليه السلام: أَلَيْسَ الْأَنْتِظَارُ مِنَ
الْفَرَجِ؟ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ
الْمُنْتَظَرِينَ» (۱).

ترجمه: «محمد بن فضیل از امام رضا عليه السلام روایت
می‌کند، که ایشان فرمودند: از ایشان سؤال نمودم از شیء
از فرج (یعنی فرج یعنی چه؟ مثال بزنید)
حضرتش فرمود: آیا انتظار فرج خود از فرج نیست؟
همانا خداوند متعال می‌فرماید: پس منتظر باشید، من
نیز با شما از منتظرین می‌باشم».

۱- سوره اعراف: آیه ۷۰، سوره یونس: آیه ۱۰۲، عیاشی در ذیل سوره یونس
آورده: ج ۲، ص ۱۳۸، بحار الانوار: ج ۵۲، ح ۲۲، ص ۱۲۸.



□ بشارت هشتم: (اشعیاء)

از کتاب اشعیاء نبی می‌باشد، و ایشان از انبیاء بنی اسرائیل بوده‌اند در کتاب او مرقوم شده است:

[نهالی از تنه (یسی) بر آمده، شاخه‌ای از ریشه
هایش قد خواهد کشید. و روح خداوند، که روح حکمت و
فطانت و روح مشورت و جبروت و روح علم و خشیت از
خداوند است، بر آن خواهد آرمید.

و او را در خشیت خداوند، تیزهوش گردانید، موافق
منظور نظرش و مطابق مسموع گوش‌هایش تنبیه
نخواهد فرمود، بلکه ذلیلان را به عدالت حکم، و برای
مسکینان زمین به راستی بهتر خواهد نمود، و زمین را
به عصای دهانش زده، به روح لب‌هایش شریر را خواهد
کشت، و کمر بند کمرش عدالت، و وفا نطق میانش
خواهد بود، و گرگ با بره سکونت داشته، ببر یا بزغاله،

و هم گوساله و پرواریها با شیران جوان، همخوابه خواهند شد، و طفل کوچک راعی ایشان خواهد بود، و گاو با خرس خواهد چرید، و بچه‌گان آنان با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو، گاه بن را خواهد خورد، و شیرخواره، به سوراخ مار بازی خواهد کرد، و کودک از شیر باز داشته، دست خود به مغاره افعی دراز خواهد کرد، و در تمامی کوه مقدس من، هیچ ضرر و فساد نخواهند کرد.

زیرا زمین از دانش خداوند مثل آبهایی که دریا را

فرو گیرند، پر خواهد شد. (۱)

مطالبی در این بشارت بدان اشاره شده است:

۱- نهالی باید از تنه یسی بیرون بیاید و شاخه‌ای از ریشه آن قد بکشد یسی در لغت به معنای قوی - یعنی این فرد از خاندان بزرگ و منحصر به فرد در دنیا باشد و آن منحصر در امام زمان علیه السلام می‌شود. مخفی نباشد استعمال این لفظ در مورد پدر حضرت داود علیه السلام بوده و نوه راعوت بوده است، و به حدی قوی بوده است که حضرت داود علیه السلام را با آنکه شهرت و شخصیتی عظیم داشته بود، به ایشان نسبت می‌دادند. اگر یسی

۱- کتاب اشیاء نبی: باب ۱۱، آیات ۱-۹-۶۵.

را پدر حضرت داود علیه السلام بگوئیم، این جا به امام زمان علیه السلام تطبیق می نماید، و چون دارد که نهالی از تنه یسی بر آمده - و از ریشه آن شاخه قد می کشد، بدنه و اصل یسی - به حضرت ابراهیم علیه السلام بر می گردد، ولی چون دارد که این شاخه از آن بدنه جدا می شود، اشاره به این نکته دارد اکثر پیامبران از فرزندان حضرت اسحاق علیه السلام بوده اند، ولی از فرزندان حضرت اسماعیل فقط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد، لذا تعبیر به شاخه ای شده است که از نهالی که از تنه بیرون آمده است و از ریشه آن قد کشیده باشد، بنابراین مصداق آن امام زمان علیه السلام است، اوست که از نسل اسحاق و آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد.

و این فرد موعود - باید تمام صفات کمالیه الهی در او باشد.

۲- احکام او بر طبق هوای نفس یا حرف دیگران نمی باشد، بلکه به علم خود بواقع می باشد، و عادلانه حکم می نماید.

۳- شریر یا بدیها را از بین می برد، و یا مراد از ابلیس (شیطان) است که به دستشان کشته می شود و عدل برقرار می شود، از بدیها اثری نمی ماند.

به طوری که حیوانی که اقتضای فطری او گزیدن یا درنده بودن می باشد. دیگر آزار و اذیت نخواهند رساند.

۴- عقول کامل می شوند و علوم کامل می شوند.

در مورد برخی از نکات که سابقاً بیان نمودیم و بدانها اشاره

می‌کنیم و اما ما بقی نیز در روایات منقوله از اهل بیت عصمت علیهم السلام به حد وفور موجود می‌باشد.

۱- «عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْعِلْمَ بِكِتَابِ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ) وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله يُثَبَّتُ فِي قَلْبِ مَهْدِيْنَا كَمَا يُثَبَّتُ الزَّرْعُ عَنْ أَحْسَنِ نَبَاتِهِ، فَمَنْ بَقِيَ مِنْكُمْ حَتَّى يَلْقَاهُ، فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَ رُوِيَ أَنَّ التَّسْلِيمَ عَلَى الْقَائِمِ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى) أَنْ يُقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» (۱)

ترجمه: «جابر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است،

که ایشان فرمودند:

همانا علم به کتاب خداوند عزوجل و سنت نبی او در قلب مهدی ما می‌روید. همان طوری که زراعت از بهترین نوع آن در زمین می‌روید، پس هر کس از شما او را ملاقات نمود، حين دیدن ایشان بگوید. درود بر شما اهل بیت رحمت و معدن علم و موضع رسالت.

و همچنین در سلام دادن به حضرت قائم علیه السلام

۱- بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۳۶، ح ۵، کتاب کافی.

روایت شده است که گفته بشود: دورود بر تو ای بقیة الله
فی ارضه».

۲- «مَحَمَّدُ بْنُ عِيسَى، عَنْ يُونُسَ، عَنْ حُرَيْرٍ قَالَ:
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَنْ تَذْهَبَ الدُّنْيَا حَتَّى
يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ عليه السلام وَ آلِ
دَاوُدَ، وَ لَا يُسْأَلُ النَّاسُ بَيِّنَةً» (۱).

ترجمه: «محمد بن عیسی از یونس و ایشان از حریر
که می گفت: شنیدم که امام صادق عليه السلام می فرمود: دنیا
تمام نمی شود تا اینکه مردی از ما اهل بیت خروج کند،
و حکم می کند (بین مردم) به حکم داود عليه السلام و آل
داود عليه السلام و از گواه سؤال نمی کند».

۳- «عَنْ أَبِي بَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَا
يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمِ آلِ
دَاوُدَ، لَا يُسْأَلُ عَنْ بَيِّنَةٍ، يُعْطَى كُلُّ نَفْسٍ حُكْمَهَا» (۲).

ترجمه: «ابان می گوید: شنیدم که امام صادق عليه السلام
می فرمود: دنیا تمام نمی شود، تا اینکه مردی از من
خروج کند، به حکومت آل داود عليه السلام حکم بکند، از

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۹، ح ۲۱ - کافی، ج ۱، ص ۳۹۷.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰، ح ۲۲، کافی، ج ۱، ص ۳۹۷.

بینه سؤال نمی‌کند و به هر کس حکمش را می‌دهد».

۴- «مُعَاوِيَةُ الدُّهْنِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسَبَاهِمِمْ، فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ) فَقَالَ عليه السلام: يَا مُعَاوِيَةُ مَا يَقُولُونَ فِي هَذَا؟ قُلْتُ: يَزْعَمُونَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسَبَاهِمِمْ فِي الْقِيَامَةِ فَيَأْمُرُ بِهِمْ، فَيُؤْخَذُ بِنَوَاصِيهِمْ وَ أَقْدَامِهِمْ فَيُلْقُونَ فِي النَّارِ، فَقَالَ عليه السلام لِي: وَ كَيْفَ يَحْتَاجُ الْجِبَارِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى مَعْرِفَةِ خَلْقِ أَنْسَاهِمِمْ وَ هُمْ خَلْقُهُ،

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا ذَلِكَ؟ قَالَ عليه السلام: لَوْ قَامَ قَائِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ السَّيِّئَاتِ فَيَأْمُرُ بِالْكَافِرِ فَيُؤْخَذُ بِنَوَاصِيهِمْ وَ أَقْدَامِهِمْ، ثُمَّ يَخْبِطُ بِالسَّيْفِ خَبْطًا» (۱).

ترجمه: «معاویه دهنی از امام صادق علیه السلام روایت

می‌کند، در مورد قول خداوند تعالی (مجرمین به

چهره‌هایشان شناخته می‌شوند، پس به ناصیه‌هایشان و

قدم‌هایشان گرفته می‌شوند) پس امام علیه السلام فرمودند:

ای معاویه در مورد این آیه چه می‌گویند؟

عرضه داشتم: گمان می‌کنند که خداوند تبارک و

۱- بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۲۰ و ۳۲۱، سوره الرحمان: آیه ۴۱.

تعالی مجرمین را به سیمایشان در روز قیامت می‌شناسد.
پس امر می‌فرماید، که ایشان را به نواصی و اقدام
بگیرید.

حضرتش برای من فرمودند: خداوند جبّاری که
خلقت فرمود ایشان را و آنها مخلوقات او هستند.
چگونه به معرفتشان نیاز دارد.

عرضه داشتیم: فدای شما بشوم پس مرادشان
چیست؟

حضرتش علیه السلام فرمودند: اگر قیام نماید قائم من،
خداوند به او سیماء را عطا می‌کند (علم به شناخت
چهره را) پس امر می‌کند، که کافر را به پیشانیها و قدمها
بگیرند، سپس او را با شمشیر شدیداً می‌زنند.

همان طوری که از این روایات فهمیده می‌شود،
ایشان معدن علم الهی و رحمت او حکم او عین عدالت و
واقع می‌باشد، و بر طبق هوای نفس یا حرف دیگران
شهادت آنان حکم نمی‌دهند.

۵- «رَوَى السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ فِي كِتَابِ
الْأَنْوَارِ الْمُضِيئَةِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ الْإِيَادِيِّ بِرَفْعِهِ
إِلَى إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ إِنْظَارِ اللَّهِ تَعَالَى

إِبْلِيسَ وَقَتاً مَعْلُوماً ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: «فَإِنَّكَ مِنَ
الْمُنْتَظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (۱)

قال عليه السلام: الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ فَإِذَا بَعَثَهُ
اللَّهُ كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَجَاءَ إِبْلِيسَ حَتَّى يَجْتُمِعُوا عَلَى
رُكْبَتَيْهِ، فَيَقُولُ: يَا وَيْلَاهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ، فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ
فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ، فَذَلِكَ (يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ) مُسْتَهَيَّ
أَجَلِهِ» (۲)

ترجمه: «روایات نمود سید علی بن عبدالحمید در
کتاب (انوار المضيئة) به اسناد خودش تا به احمد بن
محمد ایادی بر فعه (راوی بعد از او معلوم نیست روایت
مرفوعه می باشد) اسحاق بن عمار گفت سؤال نمودم از
امام صادق عليه السلام از مهلتی که خداوند تعالی به شیطان
داده است، و آن تا وقت معلوم می باشد، چنانچه در
قرآن می فرماید: پس تو (شیطان) از مهلت داده
شده گانی، تا روزی که وقت آن معلوم می باشد؟ (سؤال
این است آن وقت کی می باشد؟)

امام عليه السلام فرمودند: وقت معلوم، روز قیام
قائم عليه السلام می باشد. وقتی خداوند تعالی ایشان را

۱- سوره حجر: آیه ۳۸، سوره ص: آیه ۸۱.

۲- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۷۶، ح ۱۷۸.

مبعوث فرمودند، ایشان در مسجد کوفه تشریف دارند، ابلیس می آید در حالی که با انگشتان به رکبتین خود می زند و می گوید: ای وای از این روز حضرت موسی پیشانی او را می گیرد، و گردنش را قطع می فرماید. این روز همان وقت معلوم است، و آخر عمر شیطان (لعنة الله عليه)».

۶- «عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا (عليه السلام): لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ، وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَعْمَلَكُمْ بِالتَّقِيَّةِ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَكَهَا قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّنَا فَقِيلَ لَهُ: يَا بِنَّ رَسُولِ (صلى الله عليه وآله) وَمَنْ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ؟

قال (عليه السلام): الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْأِمَاءِ، يُطَهَّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ، وَ يُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِي يَشُكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ، وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ، فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ، فَلَا يُظْلَمُ أَحَدٌ أَحَدًا. (الحديث)» (۱).

توجه: «از حسین بن خالد نقل شده که می‌گوید، امام رضا علیه السلام فرمودند: کسی که ورع ندارد، دین ندارد، و هر کسی که تقیه ندارد (در موضع تقیه) ایمان ندارد. همانا گرامیترین شما نزد خداوند عزوجل عاملترین شما به تقیه است، قبل از قیام قائم ما، پس هر کس تقیه را ترک کند قبل از خروج قائم ما از ما نیست. پس گفته شد: فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله قائم از شما اهل البیت کیست؟»

فرمودند: چهارمین نفر از نسل من، فرزند بانوی کنیزان، خداوند به واسطه او زمین را از هر ظلمی پاک می‌کند، و تطهیر می‌کند زمین را از هر ظلمی و از همانی است که مردم در ولادت او شک می‌کنند، و اوست صاحب غیبت، قبل از خروجش، وقتی خروج فرمود، زمین را به نور پروردگارش نورانی می‌کند، و ترازوی عدل بین مردم برقرار می‌فرماید، پس کسی را ظلم نمی‌کند، تا آخر حدیث.»

۷- «الْأَرْبَعُ مِائَةُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ): بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ وَبِنَا يَخْتِمُ اللَّهُ وَبِنَا يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَبِنَا يُثَبِّتُ وَبِنَا يَدْفَعُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ، وَبِنَا يُنَزِّلُ الْعَيْثَ،

فَلَا يَغُرُّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ، مَا أَنْزَلْنَا السَّمَاءَ قَطْرَةً مِنْ مَاءٍ
مُنْتَدٍ حَبْسَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمًا لَأَنْزَلْنَا السَّمَاءَ
قَطْرًا، لِأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَ لَذَهَبَتِ الشَّجَنَاءُ
مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَ اضْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ، حَتَّى
تَمْسِي الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ، لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا
عَلَى النَّبَاتِ، وَ عَلَى رَأْسِهَا زَبِيلُهَا لَا يَهَيِّجُهَا وَ لَا
تَخَافُ» (۱)

ترجمه: «از کتاب اربع مائة - امیر المؤمنین علیه السلام»

فرمودند: به واسطه ما خداوند افتاح می فرماید و به
واسطه ما خداوند ختم می نماید. و به واسطه ما دفع
می کند زمان سگ را (بلا یای زمانه را) و به اوسطه ما
باران می فرستد، پس شما را مغرور به خداوند نکنند،
غرور شما، آسمان از زمانی که خداوند عزوجل آب او را
حبس فرموده است قطره ای نیاریده است، و اگر قائم ما
قیام بفرماید. هر آینه آسمان بارانش را نازل می فرماید. و
زمین نباتش را بیرون می دهد، و کینه و دشمنی از قلوب
بندگان زائل می شود، و بین درندگان و چرندگان صلح
می شود، به طوری که زن بین عراق و شام پیاده می رود،

و قدم نمی‌گذارد مگر بر روی نبات، بر سر او زنبیل
(مسبب) او می‌باشد و او را درنده‌ها به هیجان وا
نمی‌دارند».

همان طوری که این روایت دلالت دارند، بر برقراری عدالت و
رفع بدیها و ظلم و... در زمان حکومت حضرت بقیة الله الاعظم
(روحی و ارواح العالمین له الفداء).

۸- «عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَابَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام»
قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ
عُقُوبَهُمْ وَكَمَّلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ» (۱)

ترجمه: ابی خالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل
نمودند که ایشان فرمودند: وقتی قائم ما خروج نمود، بر
سر بندگان خدا دست می‌کشد، پس عقوب آنها جمع
می‌شود، و اخلاقشان کامل می‌گردد.

همانطوری که از این روایات برمی‌آید، دلالت دارد بر
تکمیل شدن عقول مردم و برقراری عدالت کامل و رفع
کنیه و اینکه درندگان و بهائم با هم صلح می‌کنند و...
و در رابطه با پر شدن زمین از علوم روایات فراوان است و به
همین مقدار بسنده می‌نماییم.



□ بشارت نهم: (اشعیاء)

باز از کتاب اشعیاء نبی (علیه السلام) می باشد که می فرمایند:

[کیست، کسی را از مشرق برانگیخت، که عدالت او
رانزد پای های وی می خواند امتها را به وی تسلیم
می کند، و او را بر پادشاهان مسلط می گرداند، و ایشان
را مثل غبار به شمشیر، وی، و مثل گاه که پراکنده
می گردد به کمان وی تسلیم خواهد نمود، ایشان را
تعقیب نموده، به راه هایی که با پاهای خود ترفته به
سلامتی خواهد گذشت.]^(۱)

در این جا اشاره به مطالبی دارد که عبارت می باشند:

- ۱- او عادل است و به عدالت رفتار می کند.
- ۲- تمامی امتهای سلف تسلیم او خواهند شده و یک دین برپا

می‌شود.

۳- پادشاهان همه مغلوب و مقهور او می‌شوند.

ما به روایاتی که دلالت بر این نکات می‌باشند بیان نمودیم،

فلذا به همان مقدار بسته می‌کنیم.



□ بشارت دهم: (اشعیاء)

باز هم از کتاب اشعیاء می‌باشد. که می‌فرماید:

[آنگاه هر که در یهودیه باشد، به کوهستان بگریزد،
و هر که بر بام باشد، به جهت برداشتن چیزی از خانه به
زیر نیاید، و هیچ کسی در مزرعه به جهت برداشتن
رخت خویش برنگردد، زیرا در آن زمان چنان مصیبت
عظمی ظاهر می‌شود، که از ابتدای عالم تا کنون نشده
و نخواهد شد.]^(۱)

در این قسمت اشاره دارند به بلایا و مصائب زیادی که در آخر
الزمان خواهد آمد. ما به برخی از این روایات اشاره نمودیم و این
جا به یک روایت اشاره می‌نماییم.

۱- عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ، عَنْ بَشْرِ
الْكِنَاسِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاذِبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ

الْحُسَيْنِ عليه السلام: يَا أَبَا خَالِدٍ لِسُتَاتَيْنِ فِتْنٌ يَقْطَعُ اللَّيْلُ
الْمُظْلِمَ. لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ أَوْ لَتَكَ مَضَائِجُ
الْهُدَى وَ تَبَايَعُ الْعِلْمُ يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ
(الحديث).

ترجمه: «از ابن ابی عمیر از ابن مسکان از بشر
کناسی از ابی خالد کابلی نموده که او گفت: که فرمود:
امام چهارم علی بن الحسین علیه السلام: ای خالد زمانی
بیاید که فتنه‌ها و آزمایشات مثل قطع‌هایی از شب تاریک
می‌باشد، خواهد بود، و از آن فقط کسی که خدا از او
میثاق گرفته است، نجات پیدا خواهد نمود، و آنان
چراغهای هدایت و چشمه‌های علم می‌باشد که خداوند
آنان را از هر فتنه و تاریکی نجات می‌دهد. (تا آخر
حدیث)».

مخفی نباشد این قبیل روایات و به همین مضامین فراوان
می‌باشد، و هر کسی طالب است به کتب مفصله در این باره رجوع
بفرماید.



□ بشارت یازدهم: (دانیال)

از کتاب دانیال نبی علیه السلام می باشد، ایشان در آن کتاب

فرمودند:

[در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی، که از جانب پسران قومت قائم است، خواهد ایستاد. و زمان تنگنایی، که از بودن طوایف تا سر این زمان نبوده است، واقع می شود. و در آن زمان قوم تو، هر کسی که در کتاب مکتوب یافت شد، نجات خواهد یافت، و از خوابندگان در زمین (مردگان)، بسیار بیدار خواهند شد، بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی، و دانشمندان مثل ضیای سپهر و کسانی که بسیاری را به راه هدایت رهبری نمایند، مانند کواکب تا ابد درخشان خواهند بود.]

اما تو، ای دانیال، کلمات را مخفی کن و کتاب را تا

زمان انجام کار مختوم ساز، تا حینی که بسیار گردش

کرده، علم زیاد گردد.

آنگاه من (دانیال) نگریستم، و اینک دو شخص دیگر یکی به این طرف نهر و یکی هم مردی ملبّس شده به کتان، که بالای آب ایستاده بود، گفت: که انجام این عجایب تا به چند طول می‌کشد؟ و آن مرد ملبّس شده به کتان را که بالای نهر می‌ایستاد، شنیدم در حالتی که دست راست و دست چپ خود را به سوی آسمان بلند کرد، به حیّ ابدی سوگند یاد نمود، که برای یک زمان و زمانها و نیم‌زمان خواهد کشید، و به محض تمام شدن پراکندگی قوت قوم مقدّس همگی این حوادث به انجام رسید. و من شنیدم اما درک نکردم و گفتم: که‌ای آقایم آخر این حوادث چگونه خواهد شد؟

او می‌گفت: دانیال، راه خود پیش گیر، زیرا که این کلمات، تا زمان آخرین مخفی و محتومند، بسیاری پاک و سفید قال گذاشته خواهند شد، و از این که شریران شریرانه رفتار خواهند نمود، لهذا هیچ یک از شریران درک نخواهند کرد.

اما دانشمندان فهم خواهند کرد، اما تو به انجام کار راه خود پیش‌گیر، زیرا که به استراحت گذران نموده، در

آنجا آن روزها در منصب خودخواهی ایستاد. (۱)

نکته‌ای که در این بشارت نیاز به توضیح دارد، عبارت از:

سرور بزرگ میکائیلی:

مراد از سرور میکائیلی به حسب تصریح انجیل یوحنا (۲) به رئیس فرشتگان اطلاق می‌شود، ولی در کتاب یهودا شخص مورد بشارت را یگانه منجی بشریت در تنگی عسرت خوانده است. (۳) مخفی نباشد که در این بشارت مراد از (سرور بزرگ میکائیلی) باید یگانه منجی بشریت در تنگی و عسرت باشد، چون در عبارت این جمله می‌باشد، (که از جانب پسران قومت قائم است) این خود قرینه‌ای بر این معنی می‌باشد، آنچه را که در این بشارت از علائم این منجی گفته شده است عبارت است از:

۱- وقتی می‌آید که تنگی و عسرتی که تا آن زمان نبوده بیاید و نجات یافتگان از این فشار و سختی (یعنی دین خود را از دست نمی‌دهند، بر آن ثابت قدم می‌مانند) فقط مؤمنانی می‌باشند، که اسامی آنها مکتوب است. (یعنی امتحان شدگان).

- مراد از مکتوب یعنی انتخاب شده‌گان یا مکتوب در لوح

۱- کتاب دانیال پیامبر: ف ۱۲، آیات ۱-۱۳.

۲- انجیل یوحنا: آیات ۷-۹. ۳- کتاب یهودا: فصل ۹.

محفوظ -

۲- زنده شدن برخی از مؤمنین برای خدمت به حضرت (عج) و به سعادت رسیدن ابدی، و برخی از کفار و معاندین برای آن که از آنها انتقام گرفته شود، و رسیدن به حقارت و شرمساری ابدی.

۳- عدم تعیین زمان خروج صراحتاً و این که این کلمات مخفی می‌باشند.

۴- بسیاری از مؤمنین از ادامه راه باز می‌مانند، شریران باور نمی‌کنند، مخفی نباشد، که در نکات اول و چهارم نقطه اشتراکی دارند که فقط آنانی اسمشان مکتوب است نجات می‌یابند و در نقطه چهارم در بین راه ماندن برخی از مؤمنین را دلالت دارد.

روایتی که در بشارت دهم بیان نمودیم دلالت دارد صراحة بر این مطلب و نیازی به بیان روایات دیگر نمی‌باشد، و اما بقیه روایات وارده در این باب، عبارتند از:

زنده شدن برخی از مؤمنین برای سعادت و کفار برای شرمساری قبلاً بیان نمودیم.

در روایات ما نیز در مورد مکتوم بودن ظهور حضرت (عج) اینکه کی و در چه زمانی قیام خواهند، معلوم نیست بلکه اصلاً نهی از تمحیص و توقیت شده است ما به برخی از آنها اشاره می‌نماییم.

۱- «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَائِمِ (عج) فَقَالَ عليه السلام: كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، إِنَّا أَهْلَ بَيْتٍ لَا نُؤَقَّتْ، ثُمَّ قَالَ: أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُخَالِفَ وَقْتِ الْمُؤَقَّتِينَ» (۱)

ترجمه: «ابی بصیر می گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال نمودم از قائم (عجل الله تعال) یعنی کسی قیام می فرمایند) فرمودند: آنانی که وقتی برای خروج معین می کنند دروغ می گویند، ما اهل بیت می باشیم، که وقت تعیین نمی کنیم.

سپس فرمودند: خداوند ایا می کند از این که با وقتی که موقتینش می گذارند مخالفت نرمايد».

۲- «عَنْ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ وَقْتًا؟

فَقَالَ عليه السلام: كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، إِنَّ مُوسَى عليه السلام لَمَّا خَرَجَ وَافِدًا إِلَى رَبِّهِ وَاعَدَهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، فَلَمَّا زَادَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ لَهُ قَوْمُهُ: قَدْ أَخْلَفْنَا مُوسَى فَصْنَعُوا مَا صَنَعُوا [قَالَ] (۲) فَاذَا حَدَّثْنَاكُمْ بِحَدِيثٍ

۱- بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۱۱۷، ح ۴۴.

۲- در کتاب کافی اصلی: ص ۱۵۸، قال موجود است اما در کافی مطبوع: ج ۱، ص ۳۶۹ مطابق آنی است که در متن می باشد.

فَجَاءَ عَلِيٌّ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ فَقُولُوا: صَدَقَ اللَّهُ، وَإِذَا
حَدَّثْنَاكُمْ بِحَدِيثٍ فَجَاءَ عَلِيٌّ خِلَافَ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ
فَقُولُوا: صَدَقَ اللَّهُ تُوجَرُوا مَرَّتَيْنِ» (۱)

ترجمه: «فصل بن یسار می گوید از امام باقر علیه السلام سؤال نمودم: آیا برای این امر (قیام امام زمان «عج») وقتی هم معین شده است. حضرتش علیه السلام فرمودند: آنانی که وقت را معین می کنند، دروغ می گویند.

همانا موسی علیه السلام به قومش هنگامی که به سوی وعده گاه ریش می رفت. سی روز وعده فرمود، پس وقتی که خداوند ده روز بر آن اضافه فرمود قوم موسی گفتند: موسی علیه السلام خلف وعده با ما نمود، و کردند آنچه را کردند (یعنی از دین برگشتند) امام علیه السلام فرمود: هرگاه ما به شما چیزی را حدیث کنیم، اگر آنچه را گفتیم واقع شد، بگویید: خداوند راست فرموده است. ولی اگر بر خلاف آنچه گفتیم، واقع شد. پس بگویید: خداوند راست فرموده (در این هنگام) دوبار اجر می برید».

همان طوری که در این دو روایت و روایات فراوانی که در این باب در کتب مفصله مذکور است بالصراحه نهی از توقیت

۱- بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۱۱۸، ح ۴۵، کافی: ج ۱، ص ۳۹۶.

۳- «صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام): وَاللَّهِ مَا يَكُونُ مَا تَدُّونَ أَعْيُنَكُمْ إِلَيْهِ حَتَّى تَمَحَّضُوا وَتَمَيِّزُوا، وَحَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَالْأَنْدَرُ». (۱)

ترجمه: «صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى می‌گوید: که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: قسم به خدا چشمان شما به سوی آن (قیام امام «عج») کشیده نمی‌شود تا اینکه تمحیض و جدا شوید و باقی نمی‌ماند از شما مگر کمتر از کمتر».

۴- «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) يَقُولُ: وَاللَّهِ لَتَمَيِّزَنَّ وَ (اللَّهِ) لَتُحِصَّنَنَّ وَ اللَّهُ لَتُغْرِبَنَّ كَمَا يُغْرِبُ الزُّوَانِ مِنَ الْقَمَحِ». (۲)

ترجمه: «از ابی بصیر نقل شده که گفت: شنیدیم امام باقر (علیه السلام) می‌فرمود: قسم به خدا، هر آینه جدا می‌شوید، و قسم به خدا هر آینه پاک و منزه می‌شوید، و قسم به خدا هر آینه غروبال می‌شوید، کما این که گندم از گیاه تلخک جدا می‌شود غروبال می‌شود».

۱- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۱۱۴، ح ۳۰.

۲- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۱۱۴، ح ۳۲.

این دو روایت و روایاتی که در این باره آمده است درباره مؤمنینی است که غریبال می‌شوند، و اما غیر مومن باور ندارند، و انکار می‌کنند کما اینکه قبلاً اشاره نمودیم، اگر قابل اصلاح بودند، و توبه واقعی نمودند، که سعادت‌مند خواهند شد، و الا با دستان پر قدرت ولایت و یاران باوفایش ریشه‌کن می‌شوند، انشاء الله تعالی.

۱۲

□ بشارت دوازدهم: (انجیل یوحنا)

از انجیل یوحنا لاهوتی می‌باشد در آنجا چنین مکتوب است:

[و علامتی عظیم در آسمان سر زد، که زنی پوشیده بود و در سرش تاجی بود از دوازده ستاره، و آبستن شده، و از درد و عذاب زادن فریاد می‌نمود، و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد، که ناگاه ازدهای بزرگ و آتشین که هفت سر و ده شاخ داشت، و بر سر او هفت افسر می‌بود، دمش ثلث کواکب آسمان و جاروب نموده، بر زمین ریخت، آن ازدها نزد آن زن که در حال زادن بود ایستاد، که چون زاید، بچه‌اش را فرو گیرد.

زائید بچه ذکوری که به عصای آهنین بر همه طوایف حکم خواهد راند.

آن بچه را ربوده، به نزد خدا و تختش رسانیدند. (تا

آنجا که می‌گوید:

در زمان و زمانین و تصف زمان غائب از نظر مار / تا

آخر آیه [۱۷] (۱)

آنچه را در اینجا به آنها اشاره نموده علاوه بر آنچه سایر بشارت نیز اشاره نموده‌اند، به برخی از مطالب اشاره شده است. که به نظر حقیر اگرچه به بحث ما ربط زیادی ندارد ولی بیان آن خالی از لطف نیست و آنها عبارتند از:

۱- مراد از ما حکام غاصب و شیاطین انسی و جتی می‌باشد و این که مار ثلثی از ستارگان را بر زمین ریخت. ظاهراً اشاره به حضرت محسن شش ماهه و سقط آن اولین شهید و قربانی حیدر علیه السلام به قربانگاه عشق بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد، زیرا همان طوری که می‌دانید امامان ما و فرزندان بلافصل زهرا و همه نجوم آسمان ولایت می‌باشند و با رفتن محسن شش ماهه ثلثی از این نجوم کم شد.

۲- تاجی بر سر آن زن بود که ۱۲ ستاره داشت این دیگر برای خواننده نیازی به توضیح ندارد. البته این مطالب دال بر حقانیت مذهب اسلام از زبان انجیل می‌باشد، با اینک انجیل موجود الان به نظر ما آن انجیل واقعی نمی‌باشد، والا در آن اختلافی نبود.

۱- انجیل یوحنا لاهوتی: آیات ۱-۱۷.

- علی ای حال نکاتی که بدان اشاره دارد عبارتند از:
- ۱- این مولود باید بعد از ولادت به آسمانها برده شود.
(استعمال خدا و تختش،
استعمالی نادرست می باشد.)
 - ۲- حکومت او جهانی باید باشد.
 - ۳- مدت غیبت مشخص نیست و از آن به لفظ زمان و زمانین و نصف زمان یاد شده است، همانطوری که در بشارت قبل از کتاب (دانیال نبی) بیان شده بود.
 - ۴- تولد او باید در خفاء باشد زیرا دشمنان قصد به شهادت رسانیدن ایشان را داشتند به روایاتی که در این باب ذکر شده اشاره می نماییم. البته آن مطالبی را سابقاً در بشارات سابق گفتیم دیگر تکرار نمی کنیم:

۱- «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي رَاهِمٍ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُطَهَّرِيِّ قَالَ: قَصَدْتُ حَكِيمَةَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (ﷺ) بَعْدَ مُضِيِّ أَبِي مُحَمَّدٍ (ﷺ) أَسْأَلُهَا عَنِ الْحُجَّةِ (ﷺ) وَ مَا اُخْتَلَفَ فِيهِ النَّاسُ مِنَ الْحَيْرَةِ الَّتِي فِيهَا، فَقَالَتْ لِي: أَجْلِسْ فَجَلَسْتُ ثُمَّ قَالَتْ لِي: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَخْلِي الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ نَاطِقَةٍ أَوْ صَامِتَةٍ (هَذِهِ الرَّوَايَةُ طَوِيلَةٌ إِلَى أَنْ قَالَتْ)

فَصَاحَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ عليه السلام: يَا عَمَّةُ تَنَاوَلِيهِ
فَهَاتِيهِ فَتَنَاوَلْتُهُ وَ أَتَيْتُ بِهِ نَحْوَهُ فَلَمَّا مَثَلْتُ بَيْنَ يَدَيْ أَبِيهِ
وَ هُوَ عَلَى يَدِي، سَلَّمَ عَلَيَّ أَبِيهِ، فَتَنَاوَلَهُ الْحَسَنُ عليه السلام وَ
الطَّيْرُ تَرَقَّرَفُ عَلَيَّ رَأْسَهُ،

فَصَاحَ بِطَيْرٍ مِنْهَا فَقَالَ لَهُ: اِحْمِلْهُ وَ اَحْفَظْهُ وَ رُدَّهُ إِلَيْنَا
فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، فَتَنَاوَلَهُ الطَّيْرُ وَ طَارَ بِهِ فِي جَوِّ السَّمَاءِ
وَ أَتْبَعَهُ سَائِرَ الطَّيْرِ، فَسَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ يَقُولُ: أَسْتَوْدِعُكَ
الَّذِي اسْتَوْدَعْتَهُ أُمَّ مُوسَى فَبَكَتْ تَرْجِسُ فَقَالَ عليه السلام:
لَهَا: أَسْكُتِي فَإِنَّ الرِّضَاعَ مُحَرَّمٌ عَلَيْهِ إِلَّا مِنْ تَدْيِكَ وَ
سَيَعَادُ إِلَيْكَ كَمَا رُدَّ مُوسَى إِلَى أُمِّهِ (إِلَى أَنْ قَالَ) قَالَتْ
حَكِيمَةٌ: فَقُلْتُ مَا هَذَا الطَّيْرُ؟ قَالَ عليه السلام: هَذَا رُوحُ
الْقُدْسِ الْمَوْكَلُ بِالْأئِمَّةِ عليه السلام يُوَفِّقُهُمْ وَ يُسَدِّدُهُمْ وَ
يُرَبِّبُهُمْ بِالْعِلْمِ»

ترجمه: «محمد بن ابراهیم کوفی از محمد بن
عبدالله مطهری نقل می‌کند که ایشان می‌گویند: من قصد
حکیمه علیها السلام دختر امام هادی علیه السلام را نمودم، بعد از
شهادت امام حسن عسکری علیه السلام تا از حجت خدا
بپرسم، و آنچه را که مردم اختلاف نمودند در آن مردم،
در حیرت می‌باشند، جناب حکیمه خاتون علیها السلام

فرمودند: *بنشین من نشستم سپس فرمودند: ای محمد، خداوندن تبارک و تعالی زمین را از حجت‌های ناطق و یا صامت خود خالی نمی‌گذارد.* (این حدیث بسیار طولانی می‌باشد فلذا به محل نیاز اشاره می‌کنیم، تا آنجا که می‌فرماید:) پس ندا داد، امام حسن عسکری (علیه السلام): ای عمه فرزندم را بیاور پس امام مهدی (علیه السلام) را گرفتم و به سمت حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) رفتم و وقتی حضرتش بین دستان پدرش قرار گرفت، در حالی که هنوز دستان من بود، به پدرش سلام نمود، امام (علیه السلام) حضرتش را گرفتند، در حالی که پرنده‌گانی در بالای سرشان پرواز می‌کردند، حضرتش به یکی از آنها ندا داد، و فرمود:

او را بردار و از او محافظت بفرما، و در هر چهل روز یک روز، به ما برگردان، پرنده ایشان را برگرفت و به آسمان پرواز نمود، و بقیه طیور او را متابعت نمودند.

پس شنیدم که امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود: به امانت و ودیعه دادم تو را آن چیزی که مادر موسی (علیه السلام) به ودیعه گذاشت.

پس حضرتش نرجس (علیه السلام) گریه نمود.

پس امام علیه السلام به او فرمود: آرام باش، همانا شیر خوردن حرام شده بر او مگر از پستانهای تو و به زودی به سوی تو برگردانده می شود کما این که موسی به سوی مادرش برگردانده شد. (تا آنجا که فرمود)

حکیمه گفت: پس گفتم این پرنده که بود؟

فرمودند: او روح القدس بوده است که موکل به ائمه علیهم السلام می باشد، که موفق شان می کند و تسدیدشان می کند و به علم تربیتشان می کند. (۱)

۲- «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّيْشَابُورِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُنْذِرِ، عَنْ حَمَزَةَ بْنِ أَبِي الْفَتْحِ قَالَ: جَاءَنِي يَوْمًا فَقَالَ لِي: الْبِشَارَةُ! وَوُلِدَ الْبَارِحَةُ فِي الدَّارِ مُوَلُودًا لِأَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ أَمَرَ بِكُتَابِهِ قُلْتُ: وَ مَا اسْمُهُ قَالَ سَمِّيَ بِمُحَمَّدٍ وَ كُنِيَ بِجَعْفَرٍ.» (۲)

ترجمه: «حسن نیشابوری از حسن فرزند منذر و ایشان از حمزه فرزند ابی الفتح نقل می کند که او روزی پیش من آمد، و برای من گفت:

البشاره: دیشب در منزل امام حسن عسکری علیه السلام

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۴، ص ۱۱، کافی.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵، ح ۱۸، کافی.

فرزندى متولد شده و امام عليه السلام امر به مخفى نمودن آن فرمودند:

گفتم: اسم ایشان چیست؟ گفت: اسمش محمد و کنیه او جعفر مى باشد».

۳- «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ حَكِيمَةَ بِمِثْلِ الْحَدِيثِ الْأَوَّلِ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: قَالَتْ: بَعَثَ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ سِنَةَ خَمْسٍ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ قَالَتْ: وَقُلْتُ لَهُ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ أُمُّهُ؟ قَالَ عليه السلام نُرْجِسُ. قَالَتْ: فَلَمَّا كَانَ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ اشْتَدَّ شَوْقِي إِلَى وَلى اللَّهِ، فَأَتَيْتُهُمْ عَائِدَةً فَبَدَأْتُ بِالْحِجْرَةِ الَّتِي فِيهَا الْجَارِيَةُ (إلى أن قالت) و نادانى ابو محمد عليه السلام:

يا عنتى هلمى فتناى إلى فتناوله و قال عليه السلام انطق (و ذكر الحديث) قالت ثم تناوله منه و هو يقول: يا بنى أستودعك الذى أستودعته أم موسى كن ودعنة الله و ستره و كنفه و جواره و قال عليه السلام: رديه الى امه يا عمّة، و اكنمى خبر هذا المولود علينا، و لا تخبرى به أحداً حتى يبلغ الكتاب أجله فأتيت امه و دعتهم و ذكر الحديث الى آخره» (۱)

ترجمه: «از محمد بن ابراهیم از حکیمه علیها السلام به
 مثل حدیث اول نقل شده مگر اینکه در اینجا محمد بن
 ابراهیم می‌گوید، که حکیمه گفت: از امام
 عسکری علیه السلام فرستاد به سوی من شب نیمه ماه مبارک
 رمضان سال ۲۵۵ هجری - حکیمه علیها السلام گفت من از
 امام علیه السلام پرسیدم فرزند رسول خدا مادرش کیست
 فرمود: ترجس و حکیمه گفت: روز سوم که شد شوقم به
 سوی ولی خدا شدت یافت پس دوباره پیش ایشان رفتم
 - وارد حجره‌ای شدم، حجره‌ای که جناب ترجس
 خاتون بودند وارد شدم. (تا آنجا که می‌فرماید) امام
 عسکری علیه السلام صدایم کرد و فرمود:

ای عمه من فرزندم را به نزد من بیاور - فرزند را به
 ایشان دادم، و امام علیه السلام فرمود: ای پسر من سخن بگو:
 (و حدیث را بیان فرمودند) (۱)

و بعد حکیمه می‌گوید: امام مهدی علیه السلام را از
 حضرتش گرفت و در حالی که حضرت می‌فرمود: ای
 پسر من تو را به امان کسی گذاشتم که مادر موسی علیه السلام به

۱- روایت کاملش در بحار: ج ۵۱ موجود است اگر خداوند توفیق دهد در کتابی که
 به نام (ولادت مهدی) به چاپ خواهد رسید بیان خواهد شد. (مؤلف)

امان او گذاشت، پس در پناه خداوند باش و در ستر او و کنف او و در جوار او بمان و فرمود: ای عمّه او را به مادرش برگردان و خیر این مولود ما را مخفی گردان و به هیچ کس نگو تا اجل کتاب سر آید. پس نزد مادرش آمد و با آنها وداع نمودم (و تا آخر حدیث را ذکر نمودند).

این دو روایت دلالت بر مخفی بودن ولادت دارد و الا امر به کتمان لغوی باشد، مضافاً با مراجعه به تاریخ متوجه خواهید شد، که علت کتمان تقیه بوده است، چون خلفای جور و دشمنان قصد نابود نمودن ایشان را داشتند، چنانچه روایات دلالت بر علت غیبت بر این نکته دارد، ولی از آنجایی که مبنای تألیف این کتاب بر اختصار می باشد، به یک روایت آن اشاره می نمایم:

«علی بن رئاب عن زرارة قال: سمعت

ابا جعفر علیه السلام يقول:

إِنَّ لِلْغُلَامِ غِيْبَةً قَبْلَ ظَهْوَرِهِ، قُلْتُ: وَ لِمَ؟

قال: يَخَافُ وَ أَوْماً بَيِّدَهُ إِلَى بَطْنِهِ، قال زرارة: يَعْنِي

الْقَتْلَ». (۱)

ترجمه: «علی فرزند رئاب از زراره نقل می کند، که

ایشان گفت شنیدیم امام باقر علیه السلام می فرمود: برای

غلام (امام زمان «عج») غیبتی است قبل از آن که ایشان

ظهور بفرمایند.

گفتم: چرا؟

فرمودند: می‌ترسد (و اشاره به شکم مبارکشان

فرمودند) ززاره می‌گوید (مراد حضرت) یعنی قتل».

۱۳

□ بشارت سیزدهم: (انجیل متی)

از انجیل متی می‌باشد، در انجیل متی مرقوم است:

[پس اگر کسی بگوید، که اینک مسیح اینجاست، یا

در آنجا است، باور ننمایید.

زیرا که مسیحیان دروغگو، و پیامبران کاذب

برخواهند خواست، و علامات عظیمه و آیات را چنان

ظاهر خواهند کرد، که اگر ممکن بود، برگزیدگان را نیز

اغواء خواهند کرد. اینک من شما را قبل از آن اخبار کردم،

پس هرگاه گویند که اینک در صحرا است، بیرون

مروید، یا آنکه در خلوتخانه است باور ننمایید، زیرا که

چون برق از مشرق بیرون می‌آید و تا مغرب ظاهر

می‌گردد، آمدن فرزند انسان چنین خواهد بود. زان روی

که هر جا مرداری باشد، کرکسان در آنجا جمع خواهند

شد، و بعد از رحمت آن ایام، فی الفور آفتاب تاریک

خواهد شد، و ماه نور خود را نخواهد بخشید، و ستارگان از فلک خواهند افتاد، و قوتها آسمان متزلزل خواهد شد، و در آن وقت علامت فرزند انسان بر فلک ظاهر خواهد شد.

و آنگاه جمیع طوایف سینه زنی خواهند کرد، و خواهند دید، فرزند انسان را بر ابرهای آسمان می‌آید، با قدرت و جلال عظیم، و فرشته‌های خود را خواهد فرستاد، و با صور بلند آواز، و آنها بر گزیدگان خود را جمع خواهند نمود، از اطراف اربعه.

سوای پدر و من پس هیچکس حتی ملائکه آسمان از آن روز و ساعت مطلع نیستند، پس بیدار باشید، زیرا که آگاه نیستید که خداوند شما در چه ساعت وارد خواهد شد.

و باز در همین فصل می‌گویند: در آن زمان بسیاری لغزش خورده یکدیگر را تسلیم کنند، و از یکدیگر نفرت گیرند، و بسا انبیاء کذبه ظاهر شده بسیاری را گمراه کنند، و به جهت افزونی گناه محبت بسیاری سرد شود. ^(۱)

مطالبی که در اینجا بدان اشاره شده است نیاز به توضیح دارد و آنچه از این مطالب فهمیده می‌شود:

۱- می‌گویند مسیح دوباره می‌آید.

۲- پیامبران کاذب برخوانند خواست قبل از آمدن مسیح و از خود مسایلی بروز می‌دهند، که باعث اغواء مردم می‌شوند، مگر برگزیدگان.

۳- فرزند انسان خواهد آمد - فرزند، انسان که در اینجا ذکر شده غیر مسیح است چون در آخر از قول مسیح می‌گویند که فقط (من و پدر) می‌دانیم وقت آمدن او را، البته مخفی نباشد که در این کلمات به جای خداوند (جل و علا) اطلاق پدر می‌کند، غلط می‌باشد. و اطلاقی نادرست است و این کلام محرفین می‌باشد. که خود بحثی جداگانه دارد.

و کیف کان می‌گویند. فرزند انسان می‌آید.

۴- وقت آمدن یعنی قیام او: فرزند انسان را کسی نمی‌داند مگر خداوند.

۵- طوایف همه با هم به سینه زدن می‌پردازند (کنایه از اینکه امتی واحده می‌شوند، یا همه یکصدا می‌شوند).

۶- ابر مسخر فرزند انسان (مهدی موعود) می‌باشد.

۷- ملائکه که یاوران او می‌باشند و در اطاعت اویند.

۸- یاران خود را به سوی خود می‌خواند و تمام یاران برگزیده او از چهار سمت جهان به سوی او برده می‌شوند.

۹- گروهی از راه حق منحرف می‌شوند. به واسطه انبیاء کذبیه

و...

۱۰- گناه زیاد می‌شود.

۱۱- هر کسی ادعا کند که او را دیده، باور نکنید.

تمام این مطالب که در اینجا ذکر شده است، این اتمام حجتی است بر تمام مسیحیان جهان و دلیل متقنی بر حقانیت دین اسلام و مذهب تشیع، زیرا آنچه را در انجیل فعلی یافت می‌شود، اکثر قریب به اتفاق مطالب آن، همان مطالبی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصوم او علیهم السلام بدان وعده داده‌اند، تا بیدار شود، قلب آنکه پندپذیر باشد.

ما نیز تیمنابه برخی از روایات در مورد مطالبی که در بشارت‌های قبل در مورد آن بحث نکردیم اشاره می‌نماییم، و از خداوند یاری می‌طلبیم.

۱- «عن عامر بن وائلة عن أمير المؤمنين عليه السلام»

قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله عَشْرُ قَبْلِ السَّاعَةِ لَا بَدَّ مِنْهَا:

السَّفِيَانِي وَالدَّجَال وَالدَّخَان وَالدَّابَّة وَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ

طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَنَزُولِ عِيسَى عليه السلام وَ

خسف بالشرق، و خسف بالجزيرة و نار تخرج من قعر
عدن تسوق الناس الى المحشر» (۱)

ترجمه: «از عامر فرزند واثله از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که ایشان فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ده چیز قبل از قیامت باید بیاید:

- ۱- سفیانی.
- ۲- دجال.
- ۳- دود.
- ۴- دابة الارض.
- ۵- خروج قائم علیه السلام.
- ۶- طلوع خورشید از مغرب.
- ۷- نزول عیسی علیه السلام.
- ۸- فرو رفتن (گروهی) در زمین در مشرق.
- ۹- فرو رفتن به زمین در جزیره.
- ۱۰- آتشی که از قعر عدن می‌آید و مردم را به سوی محشر می‌کشاند».

و روایاتی که دال می‌باشند که حضرت عیسی علیه السلام نزول می‌فرمایند و با حضرتش بیعت می‌کنند، و پشت سر ایشان نماز می‌خواندند، دلالت بر این نکته دارد.

۲- «عن عبدالله بن عمر قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تقوم الساعة حتى يخرج نحو من ستين كذاباً كلهم يقولون أنا نبي». (۱)

ترجمه: «از عبدالله بن عمر که می‌گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

ساعت بر پا نمی‌شود مگر اینکه شصت نفر دروغگو، قیام کنند و همه آنها می‌گویند من پیامبر هستم».

چنانچه از زمان پیامبر صلى الله عليه وآله تا به حال مثل مسلمیه کذاب و محمد علی باب و بهاء‌الدین و... امثالهم ادعای نبوت نمودند.

۳- «عن أبي خديجة قال: قال ابو عبدالله صلى الله عليه وآله: لا يخرج القائم حتى يخرج اثني عشر من بني هاشم كلهم يدعوا الى نفسه». (۲)

ترجمه: «از ابی خدیجه نقل شده است، که امام صادق صلى الله عليه وآله فرمود: قائم صلى الله عليه وآله خروج نمی‌فرماید تا اینکه دوازده نفر از بنی هاشم خروج کنند و مردم را به

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۴۶، ص ۲۰۹.
 ۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۴۷، ص ۲۰۹.

سوی خود دعوت کنند».

در مورد تکات سوم و چهارم و پنجم سابقاً بیان نمودیم.

۴- «عن سورة عن أبي جعفر عليه السلام قال: أما إن ذا القرنين قد خيّر السحابين، فاختار الذلول، و دُخِر لصاحبكم الصّعب، قال: قلت: و ما الصّعب؟ قال ما كان من سحاب فيه رعدٌ و صاعقةٌ او برقٌ فصاحبكم يركبه أما إنّه سيّر كَبُ السّحاب، و يرقى في الاسباب اسباب السماوات السبع، و الارضين السبع، خمس عوامر و اثنتان خرابان» (۱)

ترجمه: «از سوره از امام باقر عليه السلام که ایشان فرمودند: همانا ذالقرنین مخیر شد بین دو ابر (ذلول و صعب) ایشان ابر ذلول را انتخاب فرمودند، و ابر صعب برای صاحب شما ذخیره شده است، و سوره می گویند: سؤال نمودم: صعب چیست؟

امام عليه السلام فرمودند: آن ابرهایی که رعد و برق و یا صاعقه دارند را صعب می گویند، و صاحب شما به زودی سوار آن می شود، و در اسباب سیر می کند، اسباب آسمان های هفت گانه را و زمین های هفت گانه را، که

پنج‌تای آن آباد می‌باشند، و دوتای آن خراب هستند».

۵- «عن سهل بن زیاد أبي يحيى قال: قال:

ابو عبد الله عليه السلام:

إنَّ الله خَيْرُ ذَا الْقَرْنَيْنِ، السَّحَابَيْنِ الذَّلُولِ وَ الصَّعْبِ،

فَاخْتَارَ الذَّلُولَ وَ هُوَ مَا لَيْسَ فِيهِ يَرْقُ وَ لَارْعَدُ، لَوْ

اخْتَارَ الصَّعْبَ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ أَذْخَرَهُ

لِلْقَائِمِ عليه السلام» (۱).

ترجمه: «از سهل بن زیاد پدر یحیی که نقل نموده

است از امام صادق علیه السلام که ایشان فرمودند: همانا

خداوند، ذوالقرنین را بین دو ابر، و ذلول و صعب مختیر

گردانید، ایشان ذلول را انتخاب فرمودند اگر صعب را

انتخاب می‌کرد، برای او نمی‌توانست باشد، چون

خداوند او را برای قائم علیه السلام ذخیره نموده است».

این دو روایت و روایات وارد در این مورد این است که ابرهای

صعب مسخر ایشان می‌باشند، و مخصوص ایشان هستند.

۶- «و بالاسناد يرفعه الى أبي بصير عن أبي

جعفر عليه السلام في حديث طويل الى ان قال (مانيز اين

روایت را مختصرتر ذکر می‌کنیم تا آنجا که

می فرماید): فیکون اول من یضرب علی یده و ینایعه
جبرئیل و میکائیل، و یقوم معهما رسول الله ﷺ و
أمیر المؤمنین ﷺ فیدفعان الیه کتاباً جدیداً هو علی
العرب شدید، بخاتم رطب، فیقولون له: اعمل بما فیہ، و
ینایعه الثلاث مائة و قلیل من أهل مکة.

ثم ینخرج من مکة حتی ینزل فی مثل الحلقة.

قلت: و ما الحلقة؟

قال ﷺ: عشر آلاف رجل، جبرئیل عن یمینہ، و
میکائیل عن شمالہ ثم ینزل الیه الجلیة، (الحديث) (۱).
ترجمه: «و به اسناد (مرفوعه می باشد) رفته تا ابی
بصیر، و ایشان از امام باقر ﷺ نقل می فرمایند: (که در
حدیثی طولانی است) که ایشان فرمودند:

اولین نفری که دستش را به دست او (امام زمان)
می زند و با او بیعت می کند، جبرئیل و میکائیل است و با
آن دو رسول خدا ﷺ و أمیر المؤمنین ﷺ
می ایستند و کتاب جدیدی را به ایشان می دهند (و آن
کتاب بر عرب سخت است) و مهر آن تازه می باشد، پس
به ایشان می فرمایند: به آنچه در این کتاب است عمل

نما، و با او سیصد نفر و مقدار کمی از اهل مکه بیعت می‌کنند.

سپس حضرتش از مکه خارج می‌شود تا اینکه در مثل حلقه قرار بگیرد. (ابی بصیر می‌گوید) گفتم: حلقه چیست؟

امام باقر علیه السلام فرمودند: ده هزار مرد، و جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ ایشان می‌باشند. سپس به اهتزاز در می‌آوردند، پرچم جلیه را. (تا آخر حدیث).

۷- «عن زید بن وهب الجهنی، عن الحسن بن علی علیه السلام بن ابی طالب عن ابيه صلوات الله علیهما قال علیه السلام: یبعث الله رجلاً فی آخر الزمان، و کلب من الذهر و جهل من الناس یؤیده الله بملائکته و یعصم انصاره و ینصره بآياته، و ینظره علی الارض. (الحدیث)» (۱)

ترجمه: «زید پسر وهب جهنی از امام حسن علیه السلام فرزند امیر المؤمنین علی بن ابی طالب نقل می‌کند، که ایشان فرمودند:

پدرم فرمود: خداوند در آخر الزمان مردی را مبعوث می‌کند، در وقتی که دهر چون سنگ است و مردمان آن جاهل می‌باشند.

خداوند او را به ملائکه تأیید می‌فرماید، و یارانش را حفظ می‌فرماید. و او را به نشانه‌های خود یاری می‌دهد، او را بر زمین ظاهر و غالب می‌گرداند. (تا آخر حدیث).
در این روایت و روایاتی که در این باب، خصوصاً روایت اول که نقل نمودیم، گروهی از ملائکه الله یاوران او می‌باشند.

۸- «عن جابر قال: قال ابو جعفر (فی حدیث طویل الی ان قال) فیجمع الله علیه اصحابه ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلاً، و یجمعهم الله علی غیر میعاد، قرعاً کقرع الخریف و هی یا جابر الآیة الّتی ذکرها الله فی کتابه «أینما تكونوا یأت بکم الله جمیعاً إن الله علی کل شیء قدیر». (۱) (الحدیث) (۲)

ترجمه: «جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند در حدیث طولانی تا آنجا که می‌گوید، فرمود: پس جمع می‌کند خداوند بر او اصحابش را که سیصد و سیزده نفر

۱- سورة بقره: آیه ۱۴۸.

۲- بسحار الانسوان ج ۵۲، ص ۲۲۹، حدیث ۱۰۵، تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۲۴۴-۲۴۵.

مرد می باشند و آنها در غیر میعاد جمع می شوند، مثل ابرهای پراکنده پائیز و این یا جابر مصداق همان آیه ای می باشد که خداوند در کتاب خود ذکر فرمود - هر کجا باشید خداوند همه شما را می آورد، همانا خداوند بر هر چیزی قادر و توانا می باشد -».

۹- «عن محمد بن حنفیه عن أبیه امیر المؤمنین علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله:
المهدی منّا اهل البیت، یصلح الله له امره فی لیلۃ و فی روایة أخرى یصلحه الله فی لیلۃ». (۱)

ترجمه: «از محمد بن حنفیه از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مهدی از ما اهل البیت، امر او را خداوند در یک شب به اصلاح می آورد و در روایت دیگر دارد، که خدا در یک شب اصلاح می کند او را (یعنی امر او را)».

۱۰- «عن عبد العظیم الحسینی علیه السلام قال: قلت لمحمد بن علی بن موسی علیه السلام انی لأرجوا أن تكون القائم علیه السلام من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.

قال ﴿ﷺ﴾: يا ابا القاسم ما منا الا قائم بأمر الله عزوجل و هاد الى دينه، (الى ان قال) و هو الذي تطوى له الارض، و يندل له كل صعب يجتمع اليه اصحابه عدّة اهل بدر، ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلاً من اقاصي الارض و ذلك قول الله عزوجل «أينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً» ان الله على كل شيء قدير» (الحديث)» (۱)

ترجمه: «از حضرت عبدالعظيم حسنی ﴿ﷺ﴾ نقل شده که می گوید: عرضه داشتم: خدمت محمد فرزند علی فرزند موسی ﴿ﷺ﴾ (امام جواد ﴿ﷺ﴾) همانا من امیدوار بودم، شما قائم ﴿ﷺ﴾ از اهل البيت محمد ﴿ﷺ﴾ باشید.

که زمین را پراز قسط و عدل می فرماید، همانا طوری که از ظلم و جور پیر شده باشد.

امام ﴿ﷺ﴾ فرمود: ای ابا القاسم (کنیه حضرت عبدالعظیم ﴿ﷺ﴾ بوده است) نمی باشد از ما (اهل البيت) مگر قائم به امر خداوند عزوجل و هدایت کننده به سوی دین اوئیم (تا آنجا که می فرماید) و او همانی است، که زمین برای او (طنی الارض) می پیچد، و هر چیز

صعب بر او دلیل می شود، و اصحاب او که به تعداد اصحاب بدر می باشند. یعنی سیصد و سیزده مرد، به سوی او اجتماع می کنند، از نقاط دور زمین، و این همان قول خداوند است که می فرماید:

هر کجا باشید، خداوند همه شما را می آورد، همانا خداوند بر هر چیزی قادر و توانا می باشد. (تا آخر حدیث)».

دلالت این روایات، بر اینکه یاران حضرت علیه السلام در یک شب یا یک دفعه از نقاط دور زمین به دور حضرتش جمع می شوند، در برخی از روایات، که در این باب است، بیان نکاتی عجیب را دربردارد، مشتاقین به دانستن آن، به کتابهای مفضله رجوع فرمایند.

۱۰- «عن أبي بصير عن أبي عبدالله عليه السلام أنه قال عليه السلام: لو خرج القائم عليه السلام لقد أنكر الناس، يرجع اليهم شاباً موفق فلا يلبث عليه إلا كل مؤمن أخذ الله ميثاقه في الذر الاوّل» (۱).

ترجمه: «از ابی بصیر که نقل می کنند از امام صادق علیه السلام که ایشان فرمودند: اگر خروج کند قائم

۱- بحار الانوار: ص ۲۸۷، ج ۵۲، ح ۲۳، کتاب غیبت نعمانی: ص ۹۹، آنجا که دارد که ایشان فرزند ۳۲ ساله نشان می دهند.

﴿عَلَيْهِ﴾ مردم او را انکار می‌کنند. او بر می‌گردد به سوی مردم در حالی که جوان رشیدی می‌باشد و معتدل الخلق و متوافق الاعضاء می‌آیند، مردم بی‌درنگ بر علیه او می‌شوند مگر هر مؤمنی که خداوند در عالم (ذَر) اول از او عهد گرفته باشد.»

که در این بشارت گفته شد است مگر آنانی که نامشان مکتوب است.

۱۱- «عن ابن صدقه عن جعفر ﴿عَلَيْهِ﴾ عن ابيه ﴿عَلَيْهِ﴾، أن النبي ﴿صَلَّى﴾ قال: كيف بكم اذا فسد نساؤكم، وفسق شبایکم، و لم تأمروا بالمعروف و لم تنهوا عن المنکر.

و قيل له: و يكون ذلك يا رسول الله؟ قال ﴿صَلَّى﴾: نعم، و شر من ذلك كيف بكم اذا أمرتم بالمتكر، و نهيتم عن المعروف.

قيل: يا رسول الله ﴿صَلَّى﴾ و يكون ذلك؟

قال ﴿صَلَّى﴾: نعم، و شر من ذلك، كيف بكم اذا رأيتم المعروف منكراً، و المنكر معروفاً. (۱)

ترجمه: «از ابن صدقه از امام جعفر صادق ﴿عَلَيْهِ﴾ از

پدرگرامیشان علیهم السلام از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که ایشان فرمودند: چگونه به شما خواهد گذشت زمانی که زنان شما فاسد شوند، و جوانان شما فاسق شوند؟

و امر به معروف نکنند و نهی از منکر ننمایند؟
به خدمت ایشان عرض شد: آیا چنین می شود، یا رسول الله صلی الله علیه و آله؟

فرمودند: بلی، و بدتر از آن هم می شود (پس) چگونه خواهد برد حال شما زمانی که شما زمانی شما امر به منکر و نهی از معروف بکنید؟

خدمت ایشان عرضه داشته شد: آیا چنین خواهد شد یا رسول الله صلی الله علیه و آله؟

فرمودند: بلی و بدتر از آن می شود.
(پس) چگونه می گذرد بر شما زمانی که معروف را منکر دیدید و منکر را معروف دیدید؟»

روایات زیادی در باب علامات ظهور در بحار، کافی و سایر کتب می باشد، که به برخی از مطالب آن اشاره می نمائیم:

در آن زمان علماء کم می شوند و قاریان می روند و دهندگان زکات، زکات نمی دهند، منکرات ظاهر می شود، و صدای مساجد بلند می شود ولی همه دنیا را بالای سر خویش قرار می دهند، و

علم را زیر پایشان، دروغ گفتن عادی می شود، غیبت نمودن میوه مجالس می شود و حرام غنیمت شمرده می شود، احترام بزرگ از بین می رود و...

کسانی که مایل می باشند به کتب مفصله رجوع بفرمایند.

۱۲- «حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَكْتَبِ

قَالَ: كُنْتُ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ فِي السَّنَةِ الَّتِي تَوَفَّى فِيهَا الشَّيْخُ

أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) فَحَضَرْتُهُ قَبْلَ

وَفَاتِهِ بِأَيَّامٍ فَأَخْرَجَ إِلَى النَّاسِ تَوْقِيعًا نَسَخْتُهُ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ

فِيكَ:

فانك ميت ما بينك و بين ستة ايام فأجمع أمرك و

لا توص إلى أحد فيقوم مقامك بعد وفاتك، فقد

وقعت الغيبة التامة فلا ظهور إلا بعد اذن الله تعالى

ذكره، و ذلك بعد طول الأمد و قسوة القلب و امتلاء

الارض جوراً و سيأتي شيعتي من يدعى المشاهدة ألا

فمن ادع المشاهدة قبل خروج السفيناني و الصيحة فهو

كذاب مفتر، و لا حول و لا قوة إلا بالله العليّ

العظيم». (۱)

ترجمه: «روایت نمود مرا فرزند محمد، حسن بن احمد که ملقب به مکتب بوده است: او گفت: در مدینه سلام بودم در سالی که در آن سال شیخ ابوالحسن علی بن محمد السمری رضی الله عنه وفات یافت، من چند روز قبل از فوتشان پیش ایشان رفتم، او توقیعی برای من بیرون آورد، که من آن را نوشتم (و آن توقیع از طرف حضرت مهدی عجل الله بوده است و عبارت آن):

به نام خداوند بخشنده و مهربان

ای علی بن محمد سمری خداوند اجر برادران تو را، در تو (فوت تو) بزرگ دارد. پس همانا تو از دنیا می‌روی، و بین تو و (مرگ) شش روز فاصله می‌باشد، پس امر خود را جمع‌آوری نما، (یعنی به کارهایت رسیدگی کن و مهتای سفر آخرت شو.) و به احدی به جانشینی خودت و وصیت نکن، پس به تحقیق غیبت کامل واقع شده است، و ظهوری نخواهد بود، مگر بعد از اذن خداوند (تعالی ذکره)، و آن زمان بعد از طولانی شدن مدت‌ها و قساوت قلوب و پر شدن زمین از ستم خواهد بود.

زمانی می‌آید که از شیعیان من کسانی ادعای مشاهده می‌نمایند، همانا آگاه باشید، هر کس قبل از

ظهور سفیانی و صیحة (صیحة آسمانی) هر کسی ادعای
 مشاهده نمود، او دروغگو و افتراء زننده می باشد. حول
 و قوه ای نیست مگر حول و قوه پروردگار علی عظیم».

همان طور که واضح است، چنانچه در این بشارت آمده، که هر
 کس ادعا کند او را دیده است باور نکنید، این توقیع که از خود
 امام زمان علیه السلام دلالت بر این نکته دارد.

۱۴

□ بشارت چهاردهم: (انجیل مرقس)

کتاب انجیل مرقس یکی از اناجیل چهارگانه مورد قبول مسیحیان می باشد، در آن کتاب مذکور است:

[پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید. زیرا نمی دانید
آن وقت کی می شود، مثل کسی که عازم شده، خانه خود
را واگذارد و ملازمان خود را بر آن گماشته، هر یکی را به
شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر نماید، که بیدار
بماند.

بدین طور بیدار باشید. زیرا نمی دانید صاحب خانه
کی می آید، در شام یا نصف شب، بانگ خروس یا صبح،
مبادا بیاید و شما را ختفه یابد، آیا آنچه را به شما

می گویم، به همه می گویم؟]

به چند مطلب اشاره می کند:

مطلب اول: آمدن صاحب مُلک (که از آن تعبیر به صاحبخانه
شده است) قطعی و حتمی است.

مطلب دوم: منتظر او باشد یعنی غفلت نکنید و در انتظار ظهور و قیام او باشید.

مطلب سوم: معلوم نبودن زمان خروج و آمدن او.

۱- «فِي ذِكْرِ فَتْحِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَقُومُ السَّاعَةَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ رِهْنَ أَهْلِ بَيْتِي يَفْتَحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ وَجَبَلِ الدَّيْلَمِ وَ لَوْ لَمْ يَبْقِ إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَفْتَحَهَا» (۱)

ترجمه: «در ذکر نمودن فتح حضرت مهدی (عج)

قسطنطنیه از ابوهریره نقل شده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

قیامت برپا نمی شود، تا اینکه، مردی از اهل بیت من پادشاهی می کند و قسطنطنیه را فتح بنماید، و کوه دیلمان را و اگر یک روز هم باقی بماند، از عمر زمین هر آینه خداوند آن را طولانی می فرماید تا فتح کند ایشان آنجا را».

۲- «عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ

أَبِيهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

۱- کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب: باب بیستم و بحار الانوار: ج ۵۱، ص

للعسین ﴿علیه السلام﴾ التاسع من ولدك يا حسين! هو القائم
بالحق المظهر للدين الباسط للعدل.

قال الحسين ﴿علیه السلام﴾: فقلت: يا أمير المؤمنين وإن
ذلك لكائن؟

فقال ﴿علیه السلام﴾: أي والذي بعث محمداً بالنبوة و
اصطفاه على جميع البرية و لكن بعد غيبة و حيرة
لا تثبت فيها على دينه الا المخلصون المباشرون لروح
اليقين الذين أخذ الله ميثاقهم بولايتنا و كتب في قلوبهم
الايان و ايدهم بروح منه» (۱).

ترجمه: «حسین بن خالد نقل نموده است از امام
رضا ﴿علیه السلام﴾ که ایشان از پدران گرامیشان از امام امیر
المؤمنین ﴿علیه السلام﴾ که برای امام حسین ﴿علیه السلام﴾ می فرمودند:
نهمین نفر از نسل تو ای حسین ﴿علیه السلام﴾، همان قائم بحق،
و ظاهر کننده دین، و بسط دهنده عدل، می باشد.

امام حسین ﴿علیه السلام﴾ [فرمودند] پس گفتم: ای آیا این
شدنی است.

حضرتش ﴿علیه السلام﴾ فرمودند: بلی، قسم به آنکه
محمد ﴿صلی الله علیه و آله﴾ را به نبوت مبعوث فرمود، و او را بر تمامی
مخلوقات برگزید، و لکن این امر بعد از غیبت و حیرتی

۱- کافی: بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۱۱۰، ح ۲.

خواهد بود، که در آن غیبت و حیرت کسی بر دین خودش باقی نمی ماند مگر مخلصینی که نزدیک به روح یقینی می باشند، که خداوند از آنها پیمان به ولایت (قائم علیه السلام) گرفته باشد، و در قلبهایشان ایمان نوشته شده باشد، و آنها را به روحی از خودش تأیید فرموده باشد.»

روایت اول از اهل سنت می باشد که دال بر آمدن حتمی آن جناب علیه السلام می باشد.

و روایت دوم از طریق تشیع می باشد. که هر دو روایت صراحتاً دلالت بر قیام و خروج ایشان دارد. و روایات در این باب فراوان می باشد.

۳- «عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: افضل اعمال امتی انتظار فرج الله عزوجل» (۱)

ترجمه: «از امام صادق علیه السلام از پدران گرامیش علیهم السلام نقل فرموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: افضل اعمال امت من انتظار فرج از طرف خداوند عزوجل است.»

۴- «عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي خالد الكابلي،

عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ عليه السلام: تَمْتَدُّ
 الْغَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ صلى الله عليه وآله
 وَالْأُمَّةِ بَعْدَهُ، يَا خَالِدُ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ، الْقَائِلُونَ
 بِإِمَامَتِهِ الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ، لِأَنَّ
 تَعَالَى ذِكْرَهُ، أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ
 عِنْدَهُمْ بِمِثْلَةِ الْمَشَاهِدَةِ، وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمِثْلَةِ
 الْمَجَاهِدُونَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ
 الْمُخْلِصُونَ حَقًّا، وَزِ شَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ
 سِرًّا وَجَهْرًا، وَقَالَ عليه السلام: اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ
 الْفَرَجِ» (۱).

ترجمه: «ابی حمزه ثمالی نقل نموده از ابی خالد
 کابلی که ایشان از امام سجاد عليه السلام نقل نمودند که
 فرمودند: غیبت ولی دوازدهم از اوصیاء رسول خدا و
 ائمه بعد از او طول می‌کشد.

ای آبا خالد، همانا اهل زمان غیبت ایشان، آنانی که
 به امامت ایشان قائل می‌باشند، و منتظرین ظهور ایشان
 می‌باشند، افضل اهل تمام زمانها می‌باشند، چون
 خداوند (تعالی ذکره) به ایشان از عقلمها و معرفت به

اندازه‌ای عنایت فرمود، که غیبت در نظر ایشان به منزله
مشاهده خواهد بود و آنان که در آن زمان مثل مجاهدین
بین دستان رسول خدا ﷺ جهاد با شمشیر قرار داده
است.

مخلصین واقعی آنان می‌باشند، و شیعیان ما به
راستی آنان می‌باشند، و آنان کسانی می‌باشند که [مردم
را] به سوی خداوند، مخفیانه و علناً می‌خوانند.

و فرمود: انتظار فرج خود از بزرگترین فرجها
می‌باشد».

این روایات و روایات وارده در این باب اول دلیل بر حقانیت
دین اسلام و آمدن منجی بزرگ جهانی باشد. و در مورد وقت و
زمان قیام همان طوری بیان نمودیم، برخی از روایات وارده در
این باب را به اینکه آنان که می‌گویند فلان وقت یا زمان ظهور
می‌فرمایند دروغ می‌گویند، و یا می‌فرمایند ما برای قیام و ظهور
ایشان را وقتی را معین نمی‌کنیم.

و تمام روایات وارده در این باب همه و همه یا آنچه از برخی از
این بشارت‌ها استفاده می‌شود. دلالت دارد بر اینکه وقت معین
نمی‌باشد برای ظهور ایشان.

۱۵

□ بشارت پانزدهم: (انجیل لوقا)

از انجیل لوقا می‌باشد. در آنجا مکتوب است:

[... کمرهای خود را بسته و چراغهای خود را

افروخته دارید، شما مانند کسانی باشید، که انتظار

آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت

می‌کند، تا هر وقت بیاید و در را بکوبد، بی‌درنگ در را

برای او باز کنید.^(۱)]

در این بشارت نیز به همان نکاتی را که در بشارت چهاردهم

عرض نمودیم اشاره دارد و آنها عبارتند از:

۱- امام (علیه السلام) می‌آید، و آمدن او حتمی است. در اینجا انتظار

عبد برای آمدن مولا را مثال زده است، اگر آمدن حتمی نبود امر

به انتظار لغو می‌باشد. و ما روایاتی در این باب ذکر نمودیم.

۲- امر به منتظر بودن می‌کند که در فصل انتظار هم مطالبی

۱- انجیل یوقا: فصل ۱۲، آیات: ۳۵-۳۶.

در این باب سابقاً بیان نمودیم.

۳- معلوم نبودن زمان ظهور که برخی از روایات آن را در

بشارت سابق بیان نمودیم.

۱۶

□ بشارت شانزدهم: (یکی از اناجیل)

در یکی از اناجیل مورد قبول مسیحیان پروتستان ضمن وصایای مسیح به شمعون، پطرس می‌فرمایند:

[ای شمعون خدای به من فرمود: تو را وصیت کنم به

سید انبیاء ﷺ] که بزرگ فرزندان آدم پیامبر امی

عربی است، و بیاید ساعتی که فرج قوی گردد و نبوت

بسیار شود و مانند سیل جهان را پر کند.]^(۱)

مخفی نباشد که این مطالبی که در آخر بدان اشاره می‌نماید

[و بیاید ساعتی که فرج قوی شود] ظاهراً اشاره به آخر زمان و

آمدن حضرتش و حکومت ایشان دارد.

و اما [نبوت بسیار شود و مانند سیل جهان را پر کند] مراد از

نبوت در اینجا معنای لغوی آن (برگزیدگان) می‌باشد. که در زمان

ایشان مشکلات مادی و معنوی مردم گشایش می‌یابد و مردم از

۱- ج ۲، انیس الاعلام: ص ۱۹۹، تألیف فخر الاسلام از علماء محقق مسیحی بود که بعداً مسلمان شد، و این کتاب را در مورد مسیحیت تعریف شده، نوشته است.

این جهات کامل می‌شوند، و وقتی امتی که جهات روحی و معنوی او کامل شود، کمال می‌یابد و با کمال یافتن انسان نیز از برگزیدگان و بندگان خاص او می‌شود.

پس بنابراین مطالب مورد اشاره در اینجا ۱- توصیه حضرت مسیح به پیامبر اسلام ﷺ که دال بر حقانیت اسلام و مسلمین است، خصوصاً این کلمات از کسی است که از علماء و محققین مسیحی است که مسلمان شده و آنچه را بیان می‌کند به دور از تعصب و عناد می‌باشد. و این مطالب از انجیل پروتستان نقل می‌شود.

مطالب بعدی در این بشارت: فرج و گشایش کامل خواهد بود مؤمنان و بندگان او زیاد می‌شوند. و چون تا به حال این وعده عملی نشانه‌هاست حتی در زمان پیامبر ﷺ پس باید در زمان وصی‌ای او اوصیاء بر حق او باید این وعده عملی شود، و او همانی است که تمام بشارات سابق بر آن دلالت می‌نموده است.

بنا بر آنچه در این کتاب بیان نمودم، از مطالبی می‌باشد که در ادیان الهی موجود می‌باشد، و مطالب آن ادیان همان مطالبی می‌باشد، که پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت معصوم ﷺ نیز بدان مفضلاً اشاره نموده و وعده داده‌اند. و علاوه بر آن آیات الهی نیز در قرآن دال بر این مطالب می‌باشد. پس ظهور منجی و

مصلح بزرگ جهانی مورد اتفاق تمامی ادیان می باشد و علاوه بر آن فطرت انسان نیز بر آن گواهی می دهد و هر مظلوم و ستم‌دیده‌ای را که در جهان بنگریم، بلکه هر انسانی منتظر است، و این حالت انتظار که روزی کسی می آید، و جهان را به سوی صلح و آرامش سوق می دهد، و همین نکته فطری در انسان باعث شده است، که تمام کسانی می خواستند، به قدرت برسند، از این راه وارد می شوند که رسیدن به مدینه فاضله از این طریق است، هیتلر از طریق خودش (تبعیض نژادی)، لنین از طریق کمونیست و چرچیل از طریق مکر و حيله و... ولی آنچه را آنان گفته‌اند، همه و همه سرابی بیش نبوده است.

وقتی انسان می تواند به مدینه فاضله و منتهای آرزوی انسانی یعنی برقراری صلح و عدالت و... برسد، راه درست رفته باشد، و راه درست و مستقیم همانی است، که خداوند آن را تعیین فرموده است، و پیامبران الهی از طرف او بیان نموده‌اند و مأمور بودند، که به مردم ابلاغ نمایند، تا آنان بدانها عمل نمایند.

ولی چون همیشه باطل در مقابل حق با تمام قدرتش جنگیده و نگذاشته تا حق گویان مطالب خود را برسانند، فلذا انسانها نتوانسته‌اند به آن منتهای آرزوی خویش دست یابند.

بلی، آن آرزو روزی برآورده خواهد شد، که باطل به طور کلی

مضمحل و نابود شود، و آن روز نمی آید مگر با آمدن قائم بر حق حجة بن الحسن العسكري (روحی و ارواح العالمین له الفداء) و با آمدن حق باطل می رود چون باطل رفتنی است. چنانچه خداوند می فرماید (جاء الحق و زهق الباطل انّ الباطل كان زهوقا) و ما موظفیم در زمان غیبت به وظیفه و تکلیفی که خداوند ما را بدان مکلف فرموده انجام دهیم و خود را برای ظهور حضرتش آماده نمائیم، و زمینه ظهور آن منجی بر حق را آماده سازیم.

به امید آن روز

و من الله التوفيق و عليه التكلان

العبد الاحقر محمد فقيه نیا

فهرست مطالب

۷	سخن ناشر
۱۰	پیشگفتار
۲۱	بشارت اول: (شناگموتی هند)
۲۲	نکات قابل بررسی
۲۴	روایاتی از اهل تسنن
۲۷	روایاتی از منابع شیعه
۳۳	بشارت دوم: (دیه)
۳۴	روایت اول
۳۵	روایت دوم
۳۶	روایت سوم
۴۰	بشارت سوم: (باسک)
۴۴	بشارت چهارم: (یاتیکل)
۵۳	بشارت پنجم: (جاماسب)
۶۴	بشارت ششم: (زبور)
۷۳	بشارت هفتم: (زبور)
۷۹	بشارت هشتم: (اشعیاء)
۹۱	بشارت نهم: (اشعیاء)
۹۳	بشارت دهم: (اشعیاء)

- ۹۵ بشارت یازدهم: (دانیال)
- ۹۷ سرور بزرگ میکائیلی
- ۱۰۳ بشارت دوازدهم: (انجیل یوحنا)
- ۱۱۳ بشارت سیزدهم: (انجیل متی)
- ۱۳۲ بشارت چهاردهم: (انجیل مرقس)
- ۱۳۸ بشارت پانزدهم: (انجیل لوقا)
- ۱۴۰ بشارت شانزدهم: (یکی از انجیل)

فهرست منابع و مصادر كتاب:

قرآن كريم .

مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمي ﴿رحمته﴾ .

اربعين، حافظ ابوتعيم اصفهاني .

اكمال الدين، شيخ صدوق ﴿رحمته﴾ .

الارشاد، شيخ مفيد ﴿رحمته﴾ .

الأمالى، شيخ صدوق ﴿رحمته﴾ .

البرهان فى علامات آخر الزمان، متقى هندی .

البيان، كنجى شافعى .

الخصال، شيخ صدوق ﴿رحمته﴾ .

الرسالة، شافعى .

السنن، مقرئ .

الصواعق المحرقة، ابن حجر .

العرش الواضحة، عبدالهادى ابيارى .

الغيبة، شيخ طوسى ﴿رحمته﴾ .

الغيبة، شيخ نعمانى .

الكافى، محمد بن يعقوب كلينى ﴿رحمته﴾ .

المصباح، كفعمى عاملى ﴿رحمته﴾ .

المعجم الكبير، طبرانى .

انجیل لوقا.

انجیل متی.

انجیل مرقس.

انجیل یوحنا.

انیس الأعلام، فخر الإسلام.

باسک، از کتاب‌های آسمانی هندوان.

بخار الانوار، علامه مجلسی رحمته الله علیه.

بشارت عهدین.

پاتیکل، از پیامبران صاحب کتاب هندوان.

تذكرة الاولیاء.

تفسیر عیاشی رحمته الله علیه.

جاماسب نامه.

حق الیقین، سید عبدالله شیر رحمته الله علیه.

دیه، از کتاب‌های آسمانی هندوان.

ذخیره الالباب.

زبدة المعارف.

زبور داود علیه السلام.

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی.

صحیح، بخاری.

عقد الدرر في اخبار المنتظر عليه السلام، يوسف بن يحيى سلمى

شافعى.

علل الشرايع، شيخ صدوق عليه السلام.

عيون اخبار الرضا عليه السلام، شيخ صدوق عليه السلام.

قرايد السمطين، جوينى.

كتاب اشعيا نبي عليه السلام.

كتاب دانيال نبي عليه السلام.

كتاب شاكمونى هند.

كتاب يهودا.

كفاية الطالب، كنجى شافعى.

كنز العمال، متقى هندى.

مبادى مهديت، ترجمه مهدي جهانسوز.

مجمع البيان، علامه شيخ طبرسى عليه السلام.

مهدي در سيزده قرن.

نور الأبصار، شبلنجى مصرى.

نهج البلاغه، سخنان امام امير المؤمنين عليه السلام.

ينابيع المودة، قندوزى حنفى.

فهرست انتشارات

بنیاد علمی فرهنگی نور الاصفیاء:

- ۱- مهدی منتظر علیه السلام.
- ۲- جلوه خدا (چهل حدیث از مناقب مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام).
- ۳- سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن کریم.
- ۴- مجالس حضرت مهدی علیه السلام.
- ۵- واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه.
- ۶- کلام نور (۳۶۵ حدیث از حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام).
- ۷- جستجوی حق در بغداد.
- ۸- مجموعه تفسیری اعتقادی صحیفه معرفت.
- ۹- اسراف از دیدگاه اسلام.
- ۱۰- روح ایمان.
- ۱۱- رهروان شب (تحقیقی در فضایل و آثار نماز شب).
- ۱۲- بهلول، جستجویی در داستانها و زندگی او.